







Λ

~~287~~
167



حرکت کردن از شتایی بطرف صیفیه
و بعد ازین نقل کردن بجانب مجوبه

جناب برارن نه طباق افلاک جل ذاته عن درک الادراک رونق افروز
کاشانه سلطنت و پیرایه بخشاری که گامی و دولت اولان وجود عالمو ظل الهی
و ذات مکارم نمود خلافتنا بیدین الی آخر الدهور متکابیرای سرعیش و سرور و زینت
افزای منصفه صفا و جوهرایدوب هر دم و هر آنرین انواع فرح و شادمانی به اقتران اید با
آسایش عالم و عالمیان ایملکن حالی اویمه آیین شوکت و افندم عنایت فیاض مطلق اید رونق بخت
با هر لاسعاد لری مشکو هو کرده گشایش و لطافت و تنقل و تنزه میل و رغبت و فکری طول
ایملکن ناشی بوروز فیروز میمنت اندوزده روح جهان عالمیان و انسان عین جهانیان اولان
مبارک ذات کربوی طینت خسروانه لری دخی مانند افتاب عالماب باوای دلکش آراشته لری
صیفیه بهشت منظر یعنی محبوبه اسمی اید مستی ساحسرای لطافت آرا لریه نقل رخت اجلال و تجویل با
اقبال یویلوب شوکت و کرامت لو و لی لغتمه افندم حضرت یک همیشه صفا و احکری موجب فرح
بنده کان صداقت نشان و مزین طرح جا کران شکر الاحسان اولیدغه بنا بو حرکت مستوجب
عائمه عباد عطا و اعتماد لریه و بتخصص عبد نعم پرور و بنه عنایت مظهر لریه حیطه تعمیر دین یون
و مرتبه تقریر دین افزون مورث سرور و انبساط و باعث دلگشایی و نشاط و مفعله و اوجه ذمت
عبودیت و لازمه عهد و قیسم دار فریضه تبریک اید و خلیفه و عایه ابدار و مشمول لحظه عاطفت
بن نوازانه لرز اولوق استقامت براس مزین لب و مرثدا و اهداسنه کتخانه اجمه و بهشت
حق جا کرانه مع دائم الوقوع الطاف بی نهایت بنده نوازانه لرندن تقدسه عاجزانه مک حقارت
و قصورندن اغراض چشم تسامح یویلق نیازی تقدیر اید جناب رب مجید بونقل و حرکتین سعید
و هر حال و هر ممکن و هر زمان و هر مکان صفا خاطر و کشار طبع فیوضات مظاهر لرین بر مزید ایدوب
ایام میمنت انجالدین و اما راحت و آرامش اید خوش گذار و انواع ذوق و سرور اید بخت و درگاه
ایملکن خطا و لغو دعوتی بیهوده کنه قصر حاجت و اوینه طاق معلا و واق حسن قبول و اوقات
قلندقی معلوم است تا جدر بر سرور لریه نقل کردن به بکار که از جانب محبوبه به هنگام
جناب حق جل و علا یایه آسایش و برور و باباه الرفاه نوع بشر اولان وجود لطافت پرور ظل الهی
و ذات مکارم کسره خلافتنا بیدین همواره سر بر شوکت و تصدیر تا جدر لرین برقرار و ایام فرحت آید لرین

نخبه ازمان وادوار الیکن خالی اولیه خسر و خطه نیمروز اولان آفتاب عالمیابک افاضه نور می بروج
 و قصوره دائر اولدینی مثلکومهر منیر آسمان سلطنت اولان وجود خورشید سعود پادشاهیلر نیک
 و خرنش اشعه بهجت و نصارتلر بعضی منتزعات دلازلرین تشریفین ظاهر اولغله بوروز فیروزه
 رونق باکال ایله لب محسوبه دریا ده مشکل خال اولان بیکلرکی نام ساحلخانه مینوش نه توجیه و نه
 رغبت و اماله مکان غنیت بیورلدینی انبساط طبع همایون خسر و انبلیه دال و بولطفه دلازلر
 جاگر با بهتالدریه موجب نشا طیه مال و ملق حبسیده و طیفه ذمت عبودیتیم اولان رسم تنهیه
 کستایر جرات و دقایق و اوقات زنگانم مواظبت دعا عمر و دلتدریه مخصوص منحصرا ولدینی
 اشعارا بر جویهر ساعت اهداسنه مبادرت اولمشدر جناب برارند بر رخ بوقلمون و کردش و درین
 رقاص کردون اوقات و انات ایام و لبایلیرین دایما سرور و صفایه مقرون و میقات مستقیمه
 اقبال و دلتدرین وقفه آسید و اختلالدن مصون ایدوب زینک دولاب امور لرین مربوط سلسله
 توفیق و سعود و اداره مغایرت از لرین کلمه معضلاته باعث فتح و کشف ابدیه آیین حق جاگر عبودیت
 پرور لرین دایمی الظهور اولان مکارم غیر محصوره بنه نوازانه لر مقصدا سنجیده عافرانه مک
 خسانست و حقارت خرف در تار تسامح و اغاضه رهین استایر بیورلدی منبه خلوص اوزه مفافتمی
 طنین انداز طاس چهره و ابرو بلری باین **فکر کردن از سبب حلقه همایون نجایوب انصاری**
 جناب رونق از حدائق امکان جل عن الشبهه و النقصان مایه رفاه عالمیان و ماده راحت و آرام
 جهانیان اولان وجود تراست نمود خسر و نه ذات لطافت سمات ملوکانه لرین همواره سر برار
 شوکت و اجلال و زینت اقزایر **حلقه** دولت و اقبال ایدوب ساحل بحر عنایتدرین ماستگاه
 امواج اسره جباه و ساینکاه چهره اصحاب و بهیم و جابه الیکن خال اولیه آیین بالنی والد لا یمن
 شوکت و اقدم خسر و زینت افخر خطه طارم اولان خورشید جهانتاب ذره برورک دوازده بروج
 کردوند هر بر بر تشریفیند بشقه نایره و خالصیتی ولدینی مثلکومهر منیر آسمان سلطنت اولان
 باهر اللطافه جهاندار لیلدری خصوصیت نفس نفیس همایون ایدمتاز مستثنا اولان منتزعات دلازلر
 و ساحلر یان بهجت افزا لرین کاه و بیکای بعضیلرین تشریف بیورلدیه عالم و عالمیان باعث فرایش
 طراوت و موثرش از امش طبیعت اولغله بوروز فیروز میمنت اندوزده انبساط تمام و انشراح
 مالا کلام ایله سر میمنه نازلدن حرکت و نهضت و جوار الی یوب انصاریم واقع ساحلر یان
 نشاندندن ساحلخانه بهشت کاشانه لرین بر تو افکن میل و رغبت بیورلدینی کشایش طبع همایون
 خسر و انبلیه دال و بولطفه منکسر جاگر کلمه الامتجالدیه موجب فرج بهمال و ملق حبسیده و طیفه
 رقیبت و لازمه عهد عبودیتیم اولان رسم تبرکات و تنهیه باعث کستایر جرات و بهنا و ریح الا

عجوب و تکرین حاضر نصب السبق صداقت اولد یغیر بر اعراس استهلال عنوانیده بر راس و نامش را روی
نژاد اهدا سنا را غار عنان مبادرت اولمشدر جناب جنبش بخش نفقه خشک کردون خوش ملکون
دولت و قابلترین الی آخر الدوران زیر ران و توسن بخت و اجلا لترین علی الدوام بحام اراده لرین
رام و نرم عنان ایدوب هر سیر و هر تکرین موجب فرح و سرور و هر ملکشت و نرین مستوجب
مسرت و جود یلمکن حال اولیه این حق جا کر عنایت کسر لرین متعاقب الظهور مراحم غیر محذور
نوازان لرین هدیه عاجزانه و تقدیمه جا کر انهم پیشگاه شهادت دستگاه خلافتیاه لرین رسیدن
سر منزل حسن قبول یورلق ایدو سمندر جا کر تمندانم سبق آموز ابلق کردون یورلق مسؤل این کانم
ایکدی محاط علم حقایق شمول تاجداریلر یورلق ایدو امر بر وجه معتاد رمضان شریفیک یکرم شیخی کونی
عیدیه هدیه ارباب ارضی منمنه یا زیلان تخفصک مسوده سید جناب رب مجید جل شانہ و جم بها
هم و نقی صبات غره عید و همیر توجه منوره خورشید اولان ذات فیروز خاقانی و وجود
و بهیم افسر خسر و انیلرین نیجه شهور و اعوام سر بر ایهست مسیر تاجداریلرین مستدام و حصول
امان و جمانیلر به بحام ایدوب ایام و اوقات مستتب المسرات و امانات و ساعات
مستلزم المبرترین رشک سرور و بهجت قدر و عید و تخصیص شنبو ماه رمضان غفران بنا
و هلال عید منیمت تویدک قفول و قدومن سعید اندر سعید ایلیم این بجاه من بعث رحمة
للعالمین ثبوت و اقدیم بخت خدا داد باهر الاسعاد لرین مشلول و نقی تام و ایتهاج مالا کلام ایل
امام سجه ایام و رابطه العقد شهور و اعوام ایل اوقات خجسته کی یانک هر بری افزوخته جرائغان
خاصلینه نظر اگر چه هر روز بر عید اکبر و هر شبی بر قدره برابر در آنجی اجمار مسم معتاد و ایل
ممتاز و بنام اولان ایام مخصوصتک تعاقب و توار در دخی عرض عبودیت و رقیقت و اظهار
لوازم ضمر اعنة وسیله اتحاد اولنه کله یکندن ماعدا بعنایة الملک المنان بوسال فرخنده فالده
واقع شهر مبارک رمضان غایت صفایه و سرور ایل کذران و افتاب عالمتاب وجود هجابونری
کمال صحت و عافیت ایل اشعه باقی قائم شوکت و شان اولمقدن ناشی عید این سنک دخی
انواع جود و اسعاد ایل رشک اعیاد و لمسی قرینه خالیدن استدلال و لغله بویل ایام میامن اناسک
تبریک نیست بنکان مستغرق لغت لرین موجب مفاخرت و مستوجب انواع مسرت و لغتین هزار
شرم و قصور ایل خاکبار بلخ و مور بر موجب و قدر هدیه نامنه اعداد و ترتیب اولناز و ستا و زنا جیران
بانه سر بر خدیوانه لرین معتاد العرض اولان هدایا سر ره ایل مرفوع پیشگاه و مکارم بنه خلافت
دستگاه لرین قشدر حق جا کر نعم بر لرین متعاقب الظهور اولان مراحم بیز احم بن نوازان لرین
مقتضا سجه بوبابن واقع عمر و قصور و امن عفو و صفح جهانداریلر ایل پوشیدن مسرور و تقدیمه لرین

لحاظ حسن قبول خداوند کاریدر اید ملوظ و منظور بویرتی اید کلکون مرصع جام خرد مباحتم سبق
 توسن کردن بویرتی باین **لیله قدره عرض ولان سجاد و تسبیح ضمنت یا زیلان الحیف**
 شوکت و افندم جناب رب قدیر جل عن الشبه والنظیر امانه سجد سلطنت و اقبال و پیرایه
 محراب بهت و اجلال و لان ریگتمی وجود فیض اند و جهاندار و ذات باهر السعود
 و خلافتنا سیرین همواره آرایش اکلیل نصرت و تاید جار بایشانین اورنگ دولت جاوید
 اید و بکمال سرور و خوشگذاری اید هر روز لرین رشک عید و هر شب بر طربین سواد نسخه
 قدر سعید اید کن **علا** اولیه این بختیت اجل المرسلین شوکت و افندم خال جمال لبالی مضام
 عنبر دیار رحمت و غفران اولتی حبسیله خیر من الف شهر اولان مبارک لیله القدره
 بیشکاه خلافتنا سیرین تحریک سحر رقیب و بسط بساط عبودیت بندگان شکر الاحسانه عبت
 ارتقاء قدر و شان اولد یغنه بنا حقیقانه تنیه و اعداد اولان برشته تسبیح و بر قطعه سجاد مرفوع
 حضور لامع النور خداوند کاریدر قنقش در جناب حق و فیاض مطلق محض خیر انام و خیر محض خواص
 و عوام اولان وجود مکارم اند و در خیر وانی و ذات مراحم و خود جهان بنیلین سر بر بهت سجاد اید
 دائم و لایزال و بونک کبی لیله مبارکه نک عید و سحر قدر امثالنه ایصال اید این بر معاد قدیم
 عرض و تقدیمه ابتدا ولان دستا و زنا جیرانه شرف ماس نامل خسرانه و زمین بوسی بیشکاه ملوک اید
 رشک و مار عقد ثریا و در غن سینه اطلس مینا بویرتی ضمنت سجاد عیدیم بر این محراب مفاعت
 و سحر رقیتم زیور جیب سعادت بویورایسه اولبان امر و فرمان **عید فطره در بوجه مفت و یا زیلان**
تفصیک مسوده سید جناب رب متعال منبع زلال فیض افضال و معدن بر و نوال اولان
 وجود مکارم نمود بیهمال و ذات گردنی صفات مراحم اشتعال دین الی انقراض الایام سر بر ارسلت
 اید قیام و رونق افزار شهر و عوام اید و ب توار د از زمان و اناث و تعاقب اوقات و ساعتین
 افاضه سرور و شادمانی اید سنج نوروز و عید و افاده بهت و کامرانی سعید اندر سعید ایدیک ضمنت
 مطلع اجله مجد و اقبال و ملع اجله تحایل سعادت و اجلال اولان ذات معالست خسرانه لرینه خسته
 بوعید بهجت نوید بر منتن و مسعود و مقدسه مسرات متعاقب الورد اولیه این بکام من هوزقه لعل
 شوکت و افندم شیرین سازگار عالمیان و ذائقه برد از مذاق جهانیان اولان سعادتمند و فی النور
 بهر و انعم عاطفت و روزه شکن خطور عنایتی اولان ندگان شکر الاحسانه یقین جنش ابروی
 التفات خسرانه و نمایش روز خنده نکات داورانه لرین رشک عید اکبر و بلکه هزار جشن و نوروز
 برابر در انجمنه بومشکوا یام مفت و ده بهجت افاده نکت قدوم و ورود اظهار لوازم عبودیت
 و ایفا شکر نعمه نعم الوسیله اتحاد اولنه کلکله مقدر رایت نور بوجه معتاد هدیه نامیده بر موج دفتر
 اعداد و احضار ولان دستا و زنا بجز و قصود و یا سحر اید معروض بارگاه خلافتنا نخل التهنیدی
 تهنشدر خزان نهالین فلین خسرانه لرینه نسبت اید بولونه ارتکاب سحرانی که به زرم اید و بجز

ختمه قطره شبنم بقاعدن بفرق اید یکی وارسته قیدار تیا بدر لکن بوضع عاجزانه دن عرض کارایم
مجرد واجبه ذمت عبودیتی ادا ضمنن مشمول لحاظ قبول ملکانه لر بر یورلیق منقبتک ازارینه زلف
دخی مایه افتخار و استیازم اید یکی معلوم ابهت مرسوم بن نوازانه لر بر یورلد قس بوبابین قصور کسور و عفت
منظور لر در امن عفو و صفح جهان را پدرا پدرا پدرا پوشیده و مستور یورلیق بابین **عید اضحاده بر وجه معتاد**
یازیلان تلخیص مسوده سید جناب تبرک از رزخف و منی و شرف افزا مقام و مصطفی شانه
و تعالی خورشید آسمان بخت و مهر منیر اوج سعادت اولان وجود میان و فو و ظل الهی و ذات
مکرم اند و خلافتنا بیلرین ما تعاقب العیدان سر بر ابهت مصیر تاجدار بر تخت فرخنده بخت
شهر یار یلرین علم و برقرار ایدوب ایام مراحم اتمام ملکانه لرین مقارنت انواع صفاد سرور و ملازمت
اضاف شادمانی و جو را پدرا پدرا نور و زوید و تجویض بوعید مغفرت نوید اضحای سعید اندر
ایلمک ضمنن سرع عطفوت عنده خسر و اندرین کعبه الامال نام و ملجا و مطاف خواص و عوام
ایلمکدن حال اولیه امین بلبسی لایین شوکت و افندم نیز خیر فلک سلطنت و افتاب عالمنا برج
معدلت اولان ذات شفقت آیات شهنشا بیلرینک فاضله انوار عنایت و اشاعه شعاع
برورافت یور و قدر ایام و اوقات حق بندگان شاکر الاحسانلرین با جمعه انعمه عید و بلکه
لمعه اشارت ابرور عطف و تکریمه ایرات مستقر مزید اید یکی جامع کلام اولیوب انجی بویله تکامیل
ارسانم ادا اراسم تبریک و تهنیت جا کر نعم پرور لرینه و سید عرض عبودیت اتحاد اوله کتب
و بویفیت فی الحقیقه بند عبد احقر لرینه موجب ابتهاج و مغافرت و مستوجب سرور و فرحت و لغله
ماند بار حرات و ستا ویزنا جرنه نامیده تهنیه و اعداد اولانان هدایا خیر ازم هزار شرم و حجاب و صد
چندان تردد و پیچتاب ایل بر موجب دفتر معروض رکاب مستطاب حاقانلر غنمشه مبارک
بیکاه خلافتنا بیلرینه بومشکو هدایا کر قدر و بی بهانه ینک بیت مکره انخاف زرم و بخر ختمه
الفارق طرات شبنمدن بفرق اید یکی هر چند ظاهر و هویدا ایسه دخی حق جا کرانه مدع بوانه دکت مالوف
و مقاد اولد یغم مراحم بجزاخم بنده نوازانه لرین قصور و حقارتدن اغراض خطه وقت و لطفا و عنایت
مشمول نیم نگاه حسن قبول و عطفوت یورلیق ضمنن نقدینه سرور عید عالمیانک دفعه فولرینه استایله
همیان عالم لر بر ابرار المال افتخار و سراع اعتبار و ابتهاج رسیده فلک دوار یورلیق بابین **نور و زین**
اولی و زین یازیلان تلخیص مسوده سید جناب تلخیص بچون و صفی بکار بسیط بوقلمون بر مقتضای
حکمت بروز و کون و مواد و تجلیات و شئون مناجات و امتزاجات قوار را اضی و سعاد و فترات از دو
ابا علو و انهات سفلی و املی و زره از حام بطون خالی و اصلاب اشرفات افلاکیدن جلوه گر ممد شود
و بیزایه قاط وجود اولان مولیده سکه دن و نجام نامیه و بنا مانک نامزد خدمت تربیه و نامور کلفت
تمنیه سی اولان دایه بهار بدایع انا مقدمه بر این وحدت و صفرا رسیده الحاصل بکافی الواسطی اولی

مسلم را باب انظار و مقبول قرائح اصحاب آراء و افکار و لوب و بوظهور و نمود و بروز و شهود مطلع
و مبدأ اولان نقطه اعتدال ربیعیه که اول برج حمل در خسرو فرخ دوار اولان شاه اشعه سباه افتاب
بیت شرف اعتبار اول نمغله نیر جهان افروز ک اول حمل نقل و تحویلی زمان اعتدال اول بهار و نیز
تساوی ریل و نهار اول یعنی دخی ابلغ حکم پروردگار دن اید یکی کاشمش فی وسط النهار ظاهر و بدیدار
بناء علیه بروز مسرت اندوز جمیع افاق و انظار ده نام نور و سلسله اید سر نامه تقویم اشتباه
و رسم تبریک و تنهیت متفرع صفار و کبار و بتخصیص وظیفه لازمه بکار نه صداقت شعار و لمقدن تاش
بویب درم فرین و شرمین عنایت دین کرد دخی بمنه سبحانه و تعالی انواع مسرت و شادمانی
اید حلول قریب اولان مقدم فرح توأم روز مذکور فیروز عرض عبودیت صادقانه و اظهار قریه
عاجزانه نعم الوسیله اتحاد ضمنی رحت بساط ضراعت مناید آراسته و برکتوان عجز و قصور اید
بیراسته بر آس سب و نژاد کشیدن سنگ رکاب خسروانه و معروض بیخاه شفقت نگاه بفرمان
قلتمغله هران و زمان نیل احساری اید حازر دستمایه افتخار و امتیاز اولدیم مرحام نیر محرم نواز اولان
مشمول زین پوش حسن قبول خسروانه و ملحوظ لحاظه عیب پوش کریمانه لر بر یولتی اید سمند عالم بسند
افتخار و سبق آموز توسن سپهر و وار یور ملکر باش **بود دخی نور و زده یازیلان تخیصک ناکلر بریغ**
القابید جناب تربیت بخش نامیه بهار و قوت ده افشده شان حدائق و اشجار تعالی کنه ذاته
عن خاطر الافکار خورشید آسمان دولت و مهر جهان افروز و زوج سلطنت اولان وجود نور اندر نور
طلیعت کسرتاجدار و ذات اشراق سماط ذره پرورد خداوند کار یلین مانند نیر اعظم بر تو عالمگیر
اقبال اید انواع سعوده و همد و اشعه اجلال اید هر دم و هر زمان نیر فرخنده و قرم اید و ب تغدیل
امور نام و تسویه امانی خاص و عام و رشک معتدل النهار اولان زمان مقام عنوان ظل الهی
و اوم مرحوم عنوان خلافت با هیلین نصارت بخشار کشتار آمال و طراوت افزا شکوفه زار محمد
و اقبال و لمقدن همتاثر ایام بهار و رشک نور و فیروز آرا اید بیکدن خالی اولیه آیین باشی الامان
فصل هجدهم در وصف و وجه معنی و یازیلان تخیص جناب تخیص بخش قرار ایدان جل جلاله
و النقصان سلطان اقلیم وجود و زایران اقصای بلدان وجود اولان ذات لطافت سما و ابدی
و بنیه عنایت ایات شمشاد یلین همواره رونق بار سر بر محبت و زین کار و بخت افزا و بهیم سرور
کارمانی ایتمکله کافه بندگان و بتخصیص نو جاکر کرا لا حساندین فاضل مسرت جاد وانی اید بیکدن
شعله اولیه آیین باشی لایین شوکتیو اقدام حکم بالغه خالق قسری و قدر مقتضای سحر عروق
و اعصاب نوع بشر و فروغ اعصاب نبات و نخله هنگام سر بیان روح و قوت و اوان جهان
حریمی و لطافت اولان ربیع نصارت آتارده تنقیه اخلاط و تصفیه دم مراغه قاعن مرعیه حفظ
صحت و قانون معتبره حکمت اولمغله شبور و میامان اند و زده آجر ارقاعن قصد اید تطیف

مزاج خلطیت امتزاج خمر وانه لرینه میل و رغبت هما یوندر یورلد یعنی چاکر مکرمت برور لرینه عا
فیضان عروق ارتجاج و موجب ضربان رک انبساط و انقباض بود عینیت با هم الا صابن شترم
کمال تندرستی و عافیت و ملق دعواته تحریک بیشتر زبان اجابت نشان اولمش در حضرت حکیم
مطلق هر قطره حسن کلکونه رخسار صحت و مستقیم انواع قوت ایتمکله بدن خلطیت برهن ملوکا زیرین
محتاج تدبیر دوا و منتدای علاج اطباء ایلمکدن آسوده بستر استغناء ایلمه امین بوکونه تقریب طبع
خداوند کار یلرین مستوجب اولان قصد هما یون میمنت مقروندریک تبریک و نیتنی نعم الوسیله
عرض عبودیت اتقا ذاولنقی لازمه ذمت رقیتم اولمقدن ناشی هزار عجز و افتقار و حاجت بشمار ایلمه
واعدا اولانان هدیه ناجیزانه دوست او بر تغییر آنک کشیده بیکاه عنایت و مشکاه نظر اللبیدی
قلمنه با در ابتداء و اجتناب راولنشد رحق چاکر ضراعت کسرت لرینه بوانه دکت جلوه کرم مجلای ظهور
اولان نجایب عنایت بیغایه ولی النعمانه لرینه بود دفعه دخا رخای عنان عطفت ضمنن تقدیم بیکاه
مشمول نگاه التفات و قبول یو یلمی ایلمه سمندر جبار مستمندان می جلوه آموز نو سن چرخ دوار و حائر
قصب السبق مضمار ابتهاج و افتخار یورلد بر این شربت استعمالن یازیلان تلخیص معاده
جانب تاثیر بخشش خواص شیا تقدس ذاته عن وصیته الحدوث و تعالی روح ابدان عالم
و نوزاعیان بنی نوع آدم اولان وجود کروی شیم تاجدار می و ذات سعادت توأم رفت
خداوند کار یلرین همواره مصون علت و سقم و مقرون تندرستی و نعم اوله قدر خالص و میهم خلافت
وسیم خمر وانه لرینه دائم و برقرار و مزاج لطافت امتزاج لرینه مرکز اعلا الی مدار ایلمکدن خالی ایلمه
این بابی و اله الایین شوکت لو اذم مقتضای قانون حکمت و متعارف طبیعت بشریت اوزره
مصحح کیفیات متخالفه الآثار اولان فصول اربعه متداوله دن فصل بهار نامیه کردار بنجه ایام
تدبیر و تداور و منقیات و مصفیاته او ان تناول و تعاطی و لمقدن ناشی یور و زفر و ز لطافت
اندوزده استعمال شربت مورث الخفة میل و رغبت هما یون یورلد یعنی گوشه و چاکر مکرمت
برور لرین اولمقدن دار و خانه عنایت حمدانیه دن طبع لطیف معدلت تالیف نظر اللبیدی هر قطره می
مایه تناسلی و قوت و هنر شیمی ماده اعتدال و صحت و ملق دعواتی مرفوع درگاه اجابت و یوقرب
و لغرب و طیفه ذمت بندگانه اولان عرض و عبودیت و وسیله مبادرت اولمشدر جنات تاثیر و منده
تداور و تدبیر جل عن الشبهه و النظیر شربت و تناوله اعتبار یور قدر و اذخفت بخشایین مستقیم
کمال عافیت و مستوجب غایه تعدیل طبیعت ایدوب بینه قویه حلت و بطن لرین مصون عافیه
سود المراج و مستغنی فائده تدبیر و علاج ایلمکدن خالص اولیه امین پایه بر بر کروی میسر جهاندار یلرینه هزار
عجز و تقصیر ایلمه عرض و تقدیم اجتناب راولانان هدیه حقیرانه و برکت سبز ناجیزانه مک عدم ولیاقت
و وجود خستاستندن اغماض کافیه التفات ضمنن لطفا و عنانه مشمول نظر عطفت از حسن قبول
ولی النعمانه لرین یور ملق مسئول مستمندانم ایدکی معلوم مکارم مرسوم تاجدار یلرین یورلد قدردانه

خلوت همایون وقوفت هیازیلان تخمصدر

جناب حضرت از حدیقه آفرینش تعالیٰ نشانه کلین روضه ذات بجه سلطنت و اجلال اولان وجود
همایون مهابت نمونترین الی انقراض الدوران بیهائیه خیال اقبال و آرایش اراک و ظلال
ایدوب و رد لطافت مزاج مکارم نژادترین رونق و کشایشه همرک کلاغه تخت خدا و اداری
ایمکن حال اولیه امین شوکت لوافدم بلطفه تعالیٰ چند روزی برودت خاطر الهام مظاہری
مشلول جو هواده صورت صفوت و لطافت هویدا اولمقدن تاش بوروز فیروزه بعض متبریات
دلار تاشا سینه احاله کمیت غیبت واراده سیر کلکشت بیورلدی بجه سجانہ کمال انبساط
طبع خروانه لرینه وال اولد یغنه نأ جا کر باهر الابهال لدرینه دخی موجب سر و بهمال اولمغه واجبه ذہنت
عبودیت اولان دعا عمرود و تکرار یلہ اجرام اسم تبریک و تهنیتہ ابتدا رونق جناب رونق
افزار ہمار اقبال و صفوت فرمای خیاض ریاض اجلال فر روح برور سرحد سلطنت و شکوفه لطافت
کسرت وجه مجد و دولت اولان وجود مفاخر نمود خروانه لرین الی آخر القرون کمال طراوت و بجه مقرون
و انواع آسیب آفاتن مصون ایدوب ہرکونہ ہر کترین موجب یمن و برکت و ہر دو لوقح و شیرین
مستوجب صفوا و فرحت ایمکن حال اولیه امین مضار عبودیت لکرتن کرم جولان اولان عبودت کرا لاجلہری
اولد یغم اجلدن براس و دنا منشی نکا و خوش منظر ایداسنہ تحریک ہمینہ مبادرت و اراخار عنان شاهی
وجہرات اولمشد حق جا کرانہ سن دائم الظہور اولان عنایات غیر محصورین نوازانہ لرندن تقدیرہ عاجزانہ
حقارت و قصوری زیر برکتسوان عاطفت لکرتن مستور بیورلی ایدتوسن فخر و مباہمتی واصل اقصی الغایہ
سرور بیورلی باین خلوت همایون وقوفت ہیازیلان تخمصدر مسودہ سید جناب حق و فیاض
تعالیٰ شانہ و بہر بہانہ مایہ بہمت انام و مادہ رونق و بشاشت و جودہ اہام اولان وجود فیض اندود
خبروانہ و ذات مکارم اود ملوکانہ لرین الی آخر الادوار سر بر بہت مصیبتہ اجاری و بہیم سعادت
خیم خداوند کار لکرتن ثابت و برقرار ایدوب منبع انشراح و انبساط اولان مبارک طبع لطافت شیر
ظل الکبیرین دنا کشادہ و ہرمان و زمان طرح انجن ذوق و صفادہ اولمقدن خالی البیہ امین بحاہ
النسجی الامین شوکت لوافدم بمنہ سجانہ آیینہ اقبال خدا داد لہر مشلول طبع مکرمت نہاد جہاندار لکرتن
کمال صفوت و کشایشہ دلالت ایدن ترتیب صحبت خاص الماخص خلوتہ بولونہ غیبت ہمایوندر جا کر تعمیر و زین
دخی مورت مہرت و انشراح و موجب فرحت و ارتحاح اولمغه انفار رسم لشکر عرض دقت تا لوفہ
و اولر عبودیت معادہ نعم الوسیلہ اتقاد اولمغه رکوب ہمایون جہانگیر لدرینہ عدم شایستہ و لایمقدن
ہزار شرم و حجلت الہ براس و دنا منشی نکا و مطہوع المنظر تقدیرہ جرات اولمشد رعایت دائم الظہور
بنق نوازانہ لرندن ہر تقدیر ناخیر و ہمقدرا یسہ دخی لطف و عاطفہ کشید گذر کاہ نگاہ انقاف بیورلی
ایدیندہ شرمندہ لرینک سر بہتاج و امتیازی کسین فرق و قدان بیورلی باین مزاج ہمایونہ بر تقدیر
علت طائر اولد یغنی استماع اولمقدن ہیازیلان تخمصدر جناب رب قید و حل عن الشبیہ و النظر مدبر اجرام
عالیمان و مصحح علل جہانیان اولان وجود لطافت اندود خروانه و ذات خلافت سمات ملوکانہ لرین

الی آخر الایام سریشو کتمه تاجدار یلرن کمال صحت و عافیت اید مستدام و صورت و معنوی عوارض و علل
محفوظ و قایم بر تادم اید و ب عافیت کین وسیله عافیت بندکان و تند راستی و صحت کین ذریعه قوت
و قدرت جاگرا ه ایلمکدن خله اولمیه ماین بجاه من لایم السموات و الارضین نشوت و اقامت
ذکات صحت ذات همایون مکارم مشخو ندی اولمق اوزره دونکی کون عروض و طریانی مشهور
جاگرا نم اولان عارضه مانک باعث اضطراب جسم ب تادم اولد یعنی اشعار ید زوال و انداختن
استکشاف و استیجاب و ضمنت قلم بند کانه اید محرر و نقد عنه اجسا اولنان و قیامه نک منظور
نظر عافیت از بادشاهانه و کذلک دستاویز عافیه مانک مقبول طبع لطافت کسرت شهنشاهی
اولد یعنی بشقه مایه کسیر سعادت و راس المال بضاعه مفارغ نم اولان و عارضه سریع الثانی
ولی النعمان لریه منظره یستی بشیر باینه بیاض اوزرنه کشیده عافیت بخش صدور اولان خطا همایون
نوازش مقرون ظل الیه کیر سایه انداز فرق استیجاب و افتخار و ازاد بخش قید الام و اکدارم اولوب
اسیر کشمش بجای اضطراب اولان دل ب تادم باعث حیات تازه و مورث مسرت فی اندازه
اولمغه باشیده مزرعه سریع الثمار اجابت اولان فزونی و عروج و ترقی و صحت و عافیت
دعواتی قطرات کبریه سرور ایدش داب و دست نضیر و ابتهاج اید مرفوع درگاه ربان لاریات
قلمت جناب پروردگار زیور باغ سلطنت و ارایش کلبین دولت اولان جلکرت وجود لطافت
نمود لرین همواره طراوتیاب شبنم اعتدال و زینت بخش حدیقه محمد و اجلال ایدوب علی الدوام
اصابت چشم زحم روزگار دن مصون و ازردکی خار غار اکدار دن محفوظ و مامون ایدیه امین
حق جاگرا عافیت پرورد لرنه بولطف بنده نوازانه لر درخی لطافت ماولو لر دن بشقه کل روی
سده التفات طلاقه شایان و شکر فراوانه ارزان بر لطف بیکران اولمغه صدر زبان عجز
و قصور اید شکر سنده ابتدار اولد یعنی معلوم مکارم مرسوم جهاندار پرورد پرورد فرده **طوبی و کلدکی**
و قده دعوت همایونی مشعر تخفیه جناب نظام بخش کارخانه تگلون و ایجاد جل عن الاشیاء
والانداد مرئی فذات مکارم و مقور اسطفا ت مرام اولان وجود نورشید نظیر ظل الهی ذات
تایید همیر خلافتینا سیرین همواره سر برار شکوه و شهابت و ترتیب بخش راسباب نور و همیر
ایدوب تنظیم امور ملک و سلطنت کین کاغه تدبیر و تدبیر لرین قالب مستحسن و فیکنه افراغ و داف
همیر کمره انداز خیره و اندر لریه سینه اعدا و مخالفین داغ بر بالار داغ ایلمکدن خالی اولمیه امین
بجای النبی الامین شوکت و اقامت مرام قیدیه دولت علیه و لوازم سیدیه سلطنت سینه لر دن
اولد یعنی اوزره بود دفعه طوبی خانه طاهره لر کارخانه سنده قوالب مطبوعه و متنوعه ب سبک و احاطه
اراده همایون جهاندار پرورد پروردان طوبی ملک میامن همیر خیره و اندر د و کلدکی نظام تدبیر لرین
و اجرا سبیکه و اندام رسیدن سرحد التمام و قوام اولمغه ان شاء الله یوم مبارک سنده و غنای
اولنان ساعت فیروزه و سعاده ریخت و افراغ لریه مباشرت مصمم و منور اید کی علم جهان آرای

بادشاهانه لرینه روشن و جلای اولوب و کاه و کاه بومشکود و کم موسکون مین و برکت اولان
قدوم بجهت رسولیه طوبخانه عامه لولطف و عنایت تشریف و باجله حصار بندکان و اوخ
مزبورک رجال و ضابطان نوارش تلطف قدر مقتضای سنج بن برور و مبتغای شسته عنایت
کستر لیر اولدیغدن بشقه تخصیص اضافه اکثر نظر مکرمت اثر لیر طوب و طوبجیلین ایشلی التون
و عمل دست صنعتی مطبوع و موزون اولسنه و آخر غلات تانه مثابه سنده اولدیغی محتاج دیر
و برمان و ماخله بمنه سجانه یارکنی روز فیروز شنبه ده طوب زرین مهر منیر قلده افق قسیدن
نشر کرات اشعه و انوار ایلد تخییر اقلیم بام و تدبیرش ظلام درکار اولدیغدن یک شش بخوی
گذارن ساحت هبیت مساحت طوبخانه لر صیت و صد ارشها متدیر و لوله انداز بیطغیر و کشتن
زمین بوسی عنایتی ناره فیکه عاطفکدیر بد مده پروازد عابور ملتی اوزره مفرد کشتن دار حصار لر
توجیه فلکه عنایت و تحریک مفاد ذیف کرم و عنایت بپور ملر تمنای تقدیم تخلیص جا کرانه به عت اجزا
اولدیغی محاط علم الهام اشترار شمشادانه لر اولدقه بر منوال محررم تماشا صنعت اصاغیه یاله
لحظه مکرمت و هم عاجزانه ترتیب اولنان نواله حاضر بندکانه مداحان بنان میل و رغبت بپور ملتی ایلد
بار و افشار و عبودیتیم تخصیص و تکین و سماط اعتبار و قسیم ترین و تکین بپور ملتی باشن **تحفه الملک**
نامنن انشا اولنان قلیون ایچون تخلیص جناب فرمان فرمای بحر و بر فیض بخشای عوام شک و تر
تعالش نه عن تفریق البغیر مایه آسایش عباد و ماده ارامش بلاد اولان وجود دریا جود خداوندی
و ذات شهادت نمود تا جدر برین مدام اجتماع الفرقین زیور سریر سلطنت برین و زب فیکه
حکومت بحرین ایدوب نسایم غرایم خسروانه لرین موج انکیز بحر شکوه و شهادت و طوفان بحر خشم
مهابت و جلالت ایلکدن **تعال** اولمیه امین شوکت و اخذم بمنه سجانه عنوان بحر ابرق سلطنت و شان
حکم مطابق و دتکدر اولدیغی اوزره مفرسقا نقبال و مرکب جلال اولان ترسانه عامه لر
محافظ شواحل و جزایر و محارسه مراسی و بناد ریچون علی الدوام ترتیب و انشا و تخییر و اجارینه اهتمام
اولنه کلان قالیون کوه فولد نردن بوشاده معمار زینت شاهانه و هندک کار عنایت شمشادانه لرین
لنگر انداز ساحل تمام و سختی فراز کاره اختتام اولان مرادیه و تحفه الملک نام ایکی قطعه قالیون انشا
تعال یارکنی مبارک خمیس کونی ساعت اوجین ایکن روبرو ریایه القاب و بر معاد قدیم حدیث نعت سهوت
و درخواست فروغی عرو و دتکدر چون فتح قراپین و او عجمه اجابت این مراسمی اجرا و تنق تصدیق
علا ماجر العاده تشریف مایون مکرمت افاده لر ازمینه سیده تبرکات و یتیمنا جاز آسایش و تماشا بپور ملتی
ایچون قودانه هما یوندر صدری اختیار و سیایان ظلیت عنوان تاجدر بری نصب و اختیار و تخییر
عطوفت بنن نوازانه لریدن لطف و احسانا وقت موعود و معهود دن نیم ساعت مقدحه و اکر مکارم متوال
بادشاهانه لریدن حرکت و توجیه مکان فلکه عنایت بپور ملتی امیدد زواری مال بندکان دستخوش امواج
انظار و رسن بریده لنگر صطبار اولد قدرین غیر زواری شکر دیار لر ای اولان اطلس مائی رنگ

دریا سمند بحری صندل همایون ندیده احمد از شرف بای اندازی زمینده شهره نیاز و تمنایه جنبه فرس
ای یکی معلوم مکارم انمارش بانه لری بورد قره فیض خدا نام قالیون دریا به القا اولدوقن یا زللا
تخصک مسوده سیدر جناب مرسل الریح المبشرات و محرمی الجوار المنشات تقدس ذات عن نقایص
الصفات غوغا ناصیه سلطنت برین و دره اکلیل حکومت بحرن اولان وجود دریا وجود خسروانه لرین همواره
تحریک نسیم توفیقات و تهیج مجاہل تأییدات ابد موج انگیز شکوه و شہامت و طوفان خیز مهامت و جلالت
ایدوب فرض دولت ابد قیام و لیسان سلطنت سطوت انسا ملین مرسی سفاین اقبال و مقرر اک احوال
اولمقدن خالی الملیه این شوکت و انقدم توفیق سبحانه لانه شان حوت اہبت ماثر لری اولدوغی اوزره
محافظه سواحل و جزایر و محارسه مراسی و بناد و انجون علی الدوام ترسانه عامرہ لرین انشا و ابداع و ترتیب
احترام لرینہ درکار اولان قالیون لردن بود قعہ معماری فیوضات خسروانه و ہندسہ کاری عطوفات ملوکا لرین
رسیدہ ساحل اقام و زیب افزای نگارہ اختتام اولان فیض خدا نام قالیون کوه نمون انشا اللہ تعالی
یار کنی مبارک سبت کوئی ساعت و وجہ ایکن روی دریا به القا و معناد ویرین اوزره تحت نفعت
سہولت و فروزی عمر و حوت لرینون ذبح قرابین و ادعیہ اجابت قرین مراسی اجرا و التوق معتمد و لمقدن
ناشی علی ماہو العادہ تشریف همایون میمنت افادہ لری و قوعندہ ذات خلافت سمات جاہانگیری
انجون تبرکاً و تمناً اسایش و تماشا یہ قبولہ ہمایون لری صدری اختیار و سایبان ظہیت عنوانی بکسب
و احضار اولمغلہ لطفاً و احساناً وقت موعود معمودن تخمینا نیم ساعت مقدم حضور مکارم موفور
بادشا بانه لریم سیدہ سفن مال حضار بندگان مالا مال جلالت انتظار جنبہ سیلاب اوزره
ہمچال موج نگار اولد قلردن ماعادیر وجود و سخای بنہ انہا لری اولان خواجہ شوکت شہدار دریا
خارای شکستہ موج و دریایی و اطلس افسانہ مانیدن سمند بحری فککہ ہمایون ندیده احمد از شرف باران ازل
امیدہ ہر خلقہ موجبہ و ن بردین انتظار کنی و دیار ایلدیکي محاط علم محیطی انا نای عالم ارا غل لکھدی
اولد قرہ **منصور یہ نام ایکی قطعہ قالیونک تمکیندہ یا زللا** **تخصک مسوده سیدر** جناب مرسل
ما و طین و حکمران اقطار سموات و الارضین جل شانہ و بھر برمانہ مایہ اسایش عالمیان و ماعادہ ان
کون و مکان اولاد وجود مسعود بادشاہی و ذات منصور البشودت ہنشا ایلدین باوام اجتماع القوین
عنوان طراز سلطنت برین و علم افزان حکومت بحرن ایدوب عواصف سطوت خسروانه لرین طوفان
خیز شکوه و شہامت و نسیم مکارم ملوکا نہ لرین موج انگیز بحر شفقت و عنایت ایلدکن خالص
اولمیه این بجاہ النبی الامین شوکت و انقدم عنوان مجمع البحرین سلطنت و فہرین مطاع السعیدین و لندری
اولدوغی اوزره مربوط سفاین توفیق و نصرت و مراسی مرکب اقبال و سعادت اولان ترسانہ عامرہ
محافظہ جزایر و سواحل و محارسه بنا در و معافل انجون علی الدوام ترتیب و انشا و تعمیر و اجر لری ماضی
ولہ الجوار المنشات فی البحر کالاعلام اولان قالیون کوه انداز ملردن بود قعہ خمی معماری ہمت میہتا
و ہندسہ کاری عنایت انجا ز نالری ابد سل اقام و جہوہ کار نگارہ اختتام اولان منصور یہ و مسعود
نام ایکی قالیونکر کہ قصر تین بحر طویل قصر سعادت و انشا اللہ یار کنی انشین کوئی ساعت اون یکی بی
جاریک مرور و روی دریا به القا و بر معناد قدیم حدیث لغم اللہ و در خواست فروزی عمر و حوت

خلاقیتهاهی چون ذبح قواین و رفع اعلام ادعیه اجابت آیین مراسم اجرا و نعت مصمم اولیغنه بنا
 علی باجر العاده تشریف همایون مکرمت افاده لری امنیه سیده تبرکات و تمنا جای آسایش و تملک یو لوقی انچه
 و نغمای همایونری قایلونزدن اوج انبار لیک صد ری اختیار و سیه ظلیت عنوان بادشاهانری
 نصب و اختصار و منعده محض عواطف بنده نوازانه لرندن تطفاف و کرمات وقت موعود و معهود و مقدمه
 تشریف همایون مکرمت و توجیه سکان فکده غایت و تحریک مقادیر روز قیامت بپورق موانع
 سفن آمانی بین کان دستخوش جبار موجه انتظار و رسن کسل لشکر آرام و اصبهار اولد قلندن
 غیر روتق شکن اطلس آسمان اولان خاراسکنده موج دریا همای بخری صندل همایوندرینه احراز
 شرف پای اندازی زمینده جبهه فرمایس حل نیاز و استعدایلدیکی معلوم و ولتدیری بپورق
مژده جی باشی کدکن بروجه معشا دیار زیلان تخفصک مسود سیدر جناب تبرک بخش رکن
 و مقام شرف افزای خدمت عزمین و روتق آرای منقبت قبلتین اولان وجود فیض اندوخته و نه
 و ذات یتیم اندود ملوکانه لرین مطاف قوافل اقبال و سعای وفود و اجلال ایلکدن خالی اولمیه
 آیین بانجی لایین شوکت و اقدام غزه ناضیه دوران و واسطه العقد فراید زمان اولان آیام میان
 انسام ظل الهی سیدنیک هر جبهه دن مظهر امن و امان و مجلای رفاه عالمیان اولیغنه بوسنه عمیمه
 المیمنه دخی براغت استهلال و نعم الفال اخذ اولنان حجاج ذوی الاتبعاج سعادت منباج
 و بالجلد زامدن طوائف بیت الله الحرام و مشتاقان زیارت روضه مطهره سید الانام بوقی الله
 الملك العلم مصحوب امن و سلام و قرین رفاه و آرام اولد قمری حلاله اغتنام نعم عود و قفول و بلد
 شام بهشت البسمه اناخه حازه وصول ایلد کلرنیک خبر بهجت اثرنی حاوی و بر معاد قدیم قافله رحمت
 زامده حجاج ایلد استیجاب اولنان لوا، سعادت التوا و محفل میمت خستونک محله تسلیمین بخدی حجت
 شریعه و سائر تحریرات ایلد مژده جی باشی قوندری بوکون ورود و بونوید حیات بخش جدید ایلد جمدن کان
 اخلاص نشاندنه افاضه سرور نامعد و ایتکریه بویام فیروز ایام مبارک خاطر الهام نظام تبرکات
 دخی مورث نشاط و انبساط و جفی مجرم جا کرانم اولمقدن ناشی ورود ایدن تحریرات بعینها منظور حاکم
 عنایت شورشوری بپورق ایچون مرفوع رکاب مستطاب جهاندار لیری قلند یغنی مکارم مفهم خلافت
 نایب لیری بورد قرة **دعوت همایونی مشعر زیلان تخفصک مسود سیدر جناب فیض البونعم**
 تعالی ثناء و عظم برانه معدن سببیکران و منشای نعم بجدوبی بایان اولان وجود فیض اندوخته و نه
 و ذات و همب اولو اجانبان لیرین الی انقراض الادوار و بیکرم جلالت ندیم تاجدار لیرین دائم و برقرار
 وثبات و باید ارایدوب روتق شکن نیز اعظم اولان وجود سعادت قوام ظل الهی سیدین مانتد قناب
 عالیشان شمع شعله باشی قطار جهان و بر تونیز دریچ آمانی و مال عالمیان انیک سیاقده افاضه نور قوروم
 بهجت شورشور لیر زوایای بیوت جا کرانی رشک بیت الشرف بنور اوراق دین بندکانه روشنائی بخش
 سرور ایلکدن خالی اولمیه آیین شوکت کفر قدم مبذول کافه و مبسوط بره کون و مکان اولان انان نعم
 فراوان و اقاسم کرم بی امتیاز لیر حلو المذاق رفعت و اعتبار و بلند طاق کاشانه امتیاز و افتخار بولنه

قولی مایه حیران و نعمت و ماده انقاش جهان کنی اولان ولی نعمت کردی شمعک علی الدوام شیرین
سازگام آرزو و ذائقه نواز مرام و محوی اولدغی مفرح روح پرور غنای وقت و وقت زور سبعل زین اعزاز
و آرایش حق فخر آئین اختیار ایتمک امین سید ترتیب ساطع عبودیت و ترین ب طرقت ایلمک تکدان
خواججه عادت و میرایه کناره صینی شهرت اولوب و تحفیه عاقاب اعیاد مسرت میعاد وده امر معی و معنی
اولی حب سید بنده شرمند لرینک و خنی بود دفع ترتیب ساز قدرت عاجز ازم اولان نواله دعوت
حقیرانه سینه حواله انگشت اجابت و مالله گوشه چشم غنایت بیورلی مقتضای شمیمه کریمانه و متعارف نشسته
بن نوازانه لری اولدغی نیا و حق جاکر نعم پرور لرین الی هذا الان سر زده و سنج و ظهور اولان مکارم
غیر محصور ولی النعمانه نریه اغترار امبارک شریف میامن ردیف خسروانه لرید سرای ضاعت مادی
بندی به فاضله انواع خیر و برکت و فاده اقسام بین و سعادت بیورلی متناسی تقدیم با حضرات کانت
و ابتها به باعث ابتداء و اجتر اولش در هر چند که هر عالمهای کللی سلطنت و مهر جهان آری اوج اقبال
و دولت اولان ذات کردی سمات خسروانه لرینش یان و معروض شیکاه عنایت دستکاه ملکوتی لری
اولمغدر زان اسباب واجبه تعظیم و تکریم و اثاث لازمه تجیل و تفخیم بیرون دایره وسع و قدرت و خارج
ماثر تاب و مکنتم اید و کی ظاهر و بی اشتباه اید و خنی مألوف و معنای اولدغی مرام بیز اتم منشاهی و کرام
شفقت ملازم عطاوت بنا بکردن ان شاء الله تعالی اشو مبارک شین کونی داغ بادل عید اولان
سم توسن مکرمت نوید لرید ساجده پهنای سرای جاکر ازم بملکوبه سحر و آوار و سر صداقت از نیکانم
رسین و زده اعلاای اعتبار و افتخار بیورلی استعدا سیدله درجه دیده آرز و امید کشاده شهاده
انتظار و کالای همه تضرع و نیاز خیال مای اندازی سمنه عنایت لری بیتاب و بیقرار اید و بی معلوم عواطف
موسوم بن نوازین لری اولدغی صدر سابق علی باش حضرت تدیک ایلمی و قد صدره تشریف لری
اسکدر قرین محمد باش قسرن ترتیب اولنان کلکدن رکاب بیا یونان احسان اولنان
دو نیش آب و مینک لشکری مشغریان زیلان بخشیدر جناب کتایش بخش غنچه اقبال و جنبش
نمای خوش خوش خرام اجلال تفره و آه عن النبی و المثال وقت مسعود ملکین سلطنت و میرایه کرسی طغرا
دولت اولان وجود سعادت نمود ظل الهی و ذات مهابت آیات خلافتنا بیلدین همواره سر بر
کامجستانی و فرمانفرمایین مستدام و شبیدرتند جام ایامی عنان ارادت خسروانه لرین را م ایدوب
خوان لذیذ النعمای ملاطفتلرین مبذول ره نوروان حسرت و توسن سبکیای عاطفتلرین تقب
زدای باوید کردان فرقت ایلمدن خالی اولمیه امین بجاه النبی الامین شوکت اوقدم همتا شمر آکیر
امانی و آمان و محفیض توتیای جلا جتانی سعادت و اقبال اولان خاک سر بر ایت سید لرین شرف وین
رقیت و تکریم روشنائی جفم ضاعت نعمتی که مصرع اشکلن قول اولمق مصره سلطان اولمکن
مصرعی بر ایریه نصرت کار اعتبار و مطلع منظومه عننا و افتخار پر اول نعمت غیر مرتبه عظمتی اول مقبوله
عالمها ناک آرو و بی نعل و غنای عنان رای نکاو و آرام و طاقت فرسای مطایبا اقدام اولدق
سرای دلکشای اسکدرده بملکک ترتیب اولنان قصر محمدیانه وصول و سایه عنایت ظل الهی لرین برکت
استمداد مقامه قائم سایه کاح و دلا بیه نزول انسا سنج جاکر مکرمت پرور دیرینه لرینک از قدیم بیکه باز

عرضه عبودیت و ربانیت نصب السبق نوازش و عاقل قدری و لدی غنی تا کید اصطبل عاطفت و لی التعلل زین
احسان کرم عنان شهنشاه زری اولان بر راس اسب فرین و لدل فرام و سمند مرز نشین طوطا بجام
بیاده نطع رقیب کی رتبه و دلنشین فرزین رفیع و اعلا و فرس بیاب لیالت و استیماله تازه جنبش قوت
اعطای یورخله حق جا کرانه من نزدیک و دور بوانه دکت جلوه کرجالی ظهور اولان نجانب نوال
ملوکانه لرینه بو عنایت بنین نوازه لر می دخی بال و بال و لمقدن ناشی توسن اقتدار عاقرانه می
بهنای دعا عمر و د و لندرن بقرار ایتش ز جناب برارین حرج بوقلمون و جولان و سمن قریب
کردون الی انقضا الدوران طاق معسلا رواق سلطنتین سجن کاه کاه سمره زمان و فصل کلون
سطوت و مهابتین داغرن میشانی سرکش ایدوب کرک اقبال خدا دلرین مانند کل خورشید
تابین و درخشان و روس اعدا و اضداد لرین صوبان قهر قهر مانیدله کوی غلطان ایملکن خالی
اولیه امین بحره النبی الامین تبریک **هنگام تدوی طبع همایون و عرض و تقدیم اولان هدایای**
عبودیت مشحون قبولی رجا سنی حاوی یازیلان تلخیص عرض بنی میقدار بود که شکست و
کرامت ملو مهابتو قدر تلو و لی نعمتم اقدم یا دشاهم جناب تاثیر بخش تدای و تدای بر جلالت
و انظیر روح جسم عالم و نور عیون بنی نوع آدم اولان جوهر وجود لطافت نام اولد قدری حاله میرید
شفقت خیر خیر و انیزین مفارق اغراض اسقام و مقارن صحت و ندرستی نام اولد قدری حاله میرید
ابنت مصیر تاجدار لرین مؤید و مستدام ایدوب بنیه قوه دولت و سلطنتین مصون عارضه سوء کج
و مستغنی غائله تدبیر و علاج ایملکن خالی اولیه امین بالنبی الامین شکست و کرامت ملو مهابتو
قدر تلو و لی نعمتم اقدم بر مقتضای حکمت بالغه صمدی نشی عجب التبریک انسانی سطفت متضاده
الکیفیات و خلاط متکلیفیه الحلاطین متالف و اعتدال مزجه آدمی بهر حال تسویه بین الاضداد و
متوقف اولمقدن ناشی نگاه و بیکاه استقراض خلط غالب و تعدیل سوره عنصر متغالب ایدوب
طایع بشری و تخصیص روح جفان جهان اولان تلطیف مزاج طلبت آمزاج معدلت کسر لرین
مرعات تصفیه و تنقیه سی باعث صحت عالمیان و مورث ندرستی آدمیان اولد یعنی نابود
فیروز عایت اندوز داراد و الهام افاده مدا و اید تاول شربت دافع الثقل مورث الخفة
سبل و رغبت همایون یورلدیغی باعث انشراح چاکری و مورث ارتیاح نفس برورلدی اولوب شرب
و تناوله اعتنا یورلدان و اول لطافت افزا لرین مستلزم کمال صحت و مستوجب غایه صف و راحت
المسی دعواته درکار و یور تقرب و لغزیت و طیفه لازمه بنده کانه اولان عرض عبودیت باور انداز
واجتنار اولد جناب خاصیت بخش عقاقر و اجساد و ترتیب فرمای مقدامات قانون شفا
مطب عنایت ربانیه و داروخانه عاطفت سبحانیه سندن احسان کیفیت حسن تاثیر ایدوب تدبیر
و لید لرین قوار لطافت انتمار خسر و انیزینه مایه تعدیل و ترویج و مواد ربیه لازم الازالیه مودی
تنقیه و تنقیح ایدوب همواره وجود لطافت اندود ملوکانه و ذات خلافت شهو شهنشاهان لرین غلبه

اغلاط اكدار و آلامن مصون و صورى و معنوى انواع علل و اسقامدن مامون انتملكه الى اخر الازمان
بنير سر سبط سكرن افاضه روح و قوت و انا فانا افاده رونق و نصارت ايمكدن خالى ايميه مين
بايه سر يا نهت سمير تاجدار يلدنه هزار عجز و افتقار ايد عرض و تقديمه اجتناب اولان هديه حقيرانه و بر
سبز ناجيزانه ملك حقارت و خاستندن اغاضه التفات ايد لطفا و عنايه مشمول نظر و عطف
انتر حسن قبول بويلىق مسئول استمندان و مستدعاى جاكر ازم ايد يكي معلوم مكام مرسوم نخل اللهيكم
بويلىق امروفرمان و عنايت و احسان شوكتلو كر استلو مهابتلو قدر تلو ولى نعمتم اقدم و شام
خضر نيكدر تعمير طيبه ايجون و رود ايدن خط همايون شوكتمقر و نك جوانى و بعض
رجالك بجايش و تب لائى مشعر مختصر عرض بنده بمقدار بودر كه شوكتلو كر استلو
مهابتلو قدر تلو ولى نعمتم اقدم بادشاهم جناب فياض لايزال فهو الكريم المتعالى حضر نكر ترتيب
فرمان لازم دين مبين و نيكلى غلام اسم دولت ابد قرين اولان وجود عنايت اود جهانباني و ذات
ديانت و فود كسور ستايلدين هميشه بهجت آرا تاج و تحت كنين ايدوب ارا حاشانه شهر يار
ويا را ثاقبه جهاندار يلدين تنظيم امور دولت و دين و تميم شئون سلطنت ابد رهنين توفيق
رباني و فنيق تقديرات صمداني ايميه آئين شوكتلو كر استلو مهابتلو قدر تلو ولى نعمتم اقدم
عطار در قم اولان قلم عيسى دم شاهانه كرامت يارض اوزر يه كشين و چكين بويلىق مبارك خط مكام
نقط همايون نكر راهبر ارجبر رقيت انتا اولوب حاوى و ليدني مضامين ديات قريبي مفهوم و معلوم
جاكر ازم اولوق هر بره في نيجه احكام ديات ارسامه ظرف و زلال مفهومات سطوي اولوبه امان
ملاك سوكلك اجار لوانى بيانن مانند بحر شرف اوليدني يقين اولنش در جناب العزة امرو
و خصوص سلطنت سنيكدين و مبدم عنايت ازليه سنده توام و قدم بر قدم مراضي جيسنه رقي و تقدم
ايميه امروفرمان همايون بويلىق اوزر تعمير طيبه طيبه مامور و نيكلى فانه اجن قدر تلو ولى نعمتم اقدم
مبارك جمعه كو فنيق بعد البعدين رينه بوندن اقدم قائمقامى جاكر ازم و قنبرن كخدا الق خد متين
مستخدم اولوب اداره لازم مامور رسندن في الجمله كملت و در ايست ايله موصوف و مقادير بنده كام
صداقت انشائي مراعات ايله موصوف و حاله هنج اصل موجود كور يان بير مصطفيا اغا قورلر
جمله ذكره سندن ماعدا دولت بادشاهانه لر ين اكتاب ثروت و يسار ايش قوتلى اولون
حسبه انرش ادا الباري رزيله طبعدن و خي عارر اوليدني ملحوظ اولغده مومى ايله قوتلى شريك
كخدا الق خد متين استخدام اولونى و انك حلدن سپاه اغا قنق في الاصل اجالن مرقوم ايد مرسوم
اولان حاله باشا قيقولى كوسه على اغا جاكر لر يه و انك برى و خي مقده مابرو خه منصب مزبور مامور
اولوب في الجمله كار كدر لغني مشهور اولان عبيد اغا موكلمينه عنايت و احسان بويلىق ملحوظ عذر
انرا لر ايلغده ترتيب ذكره رقيض انشا اولان ارا و تابناك جهان بيار ين و خي روشن و هويا
مشابه بويلىق خالدين مومى اليه ك بروجه مسطور خدمات مرقوم بيه تعيين و مامور قنبرن خه صانه اذن

درایت خزن تا جداریدار از زانی و جاری یوریلور ایله و باین و هر کوزه بخشوال و باین امر و فرمان و عنایت
واحسن شوکت لو کرامت لو مهاجرتو قدر تلو ولی نعمتم اقدم بادشاهم حضرت نیکدل بعضی سرحدات
محافظت نیک محب الاقفا ب لاندین استیذان ضمنی بایزیدان تخفید عرض بنی بمقدار
بود که شوکت لو کرامت لو مهاجرتو قدر تلو ولی نعمتم اقدم بادشاهم جناب موجب بار ب
هم و مرتب مطالب نوع بنی اوم جلت الاؤه و متابعت انعامه حضرت نیکدل تنظیم بخشار کاف امور
تسلیتی فرمای سرحد و ثغور اولان ذات مرام موفور تا جدار ی و وجود عواطف تا نور شهر بایرین
همواره رونق فرای اریکه جهانیانی و سر برار اربابنت و کامرانی ایدوب فیاضه دریا با رختا تبارین
نصارت بخش مزاج امان و شارقه مکرمت مدار عا طقت بنی بخت افروز کاشانه اجلال ایملکن
خاک ایلیمه این شوکت لو کرامت لو مهاجرتو قدر تلو ولی نعمتم اقدم بودن اقدم مبارک باید و بهیم
کروبی خدیم خسر و اینلرینه عرض و تقدیم اولد یغنی اوزره بو خلاص بنی بخت دولتن وقوع بولان تبدل و خجلا
حسب ایلد دولت مرقوم ایلد محمد و اولان سرحدات و وزرای عظام بنی لرندن احراز شان و نام
ایتمش قوتلر نیک وجود و مقتضار حاله موافق و مزاج مصلحت مطابق تصور اولد یغنه بنا خانیه محافظه
اولان صدر سابق محمد باش قوتلری بوسنیه تحویل و مشار الیهک دامادی اولوب سلا نیک سنجانی
متصرفی اولان وزیر حسین باش قوتلری دخی خانیه محافظه سنه تعیین و بوسنه و الیسی محسن زاد و عبد الله
باش قوتلرینه دخی شمدیکک سلا نیک سنجانی توجیه اولننی باین مساعی بهیه ملوکانه لر جاری
و ارزانی بورتشیدر لکن و دین جانبدار دخی دولت مرقومیه ملاصق سرحدات اولوب جانب نورد
دخی تحصیل دستمایه وقوع و اعتبار ایدن وزاد ن بر نیک تقریری و بلغا و محافظه سنه اولان طوائف
عسکریه تک دخی اوقات هجرت توفیری کذلک اقتضار وقته انسب و بوضو تن مشار الیه محسن زاد
عبد الله باش اینلر لری نیکلوی سنجانی اید و دین محافظه سنه و دین محافظی مصطفی باش قوتلری دخی
سلا نیک سنجانی اید بلغا و محافظه سنه تعیین اولمدر امر مستصوب ملا خطه اولد یغنی مطرح اشع الهامات
ربانی و مضبوط اجلیه فیوضات صدرانی اولان مبارک ضمیر لوح سمیع شمر و از لر ن دخی تقرب و تقوی
یوریلرینی صورتین عواطف علییه ملوکانه لر ن بر منوال حرر مش رالیه عبد الله باش قوتلرینه و دین
محافظتی عنوانیکه نیکلوی سنجانی و سلفی مش رالیه مصطفی باش قوتلری نه بلغا و محافظتی وزیر احمد با
قوتلری معینت خدمت محافظه به قیام شرطیکه سلا نیک سنجانی توجیه و احسان و ادم شمر یغنه لر اصدار
تسبیه لرینه ابتدای اولنن باین اوزن همایون عطا قوت نمون ولی التماس لری مبدول و ارزانی بویور الیه
امر و فرمان و لطف و عنایت و احسان شوکت لو کرامت لو مهاجرتو قدر تلو قدر عطا قوتلر ولی نعمتم اقدم
بادشاهم حضرت نیکدل رنج جاب دخی و بقیه بی جاریه تک بمعنان و اوای یوار اولننی اخبار
و بعضی تدابیر مصالح ضمنی عرض و تقدیم فلان شخص
شوکت لو کرامت لو مهاجرتو قدر تلو ولی نعمتم اقدم بادشاهم جناب مسبب الاسباب فهو الموفق
بلا اریاب حضرتلری قطب دائره نجات خدا و دوزر با صره دولت خلافت بنیاد اولان وجود

ملائک ایداد بادشاهی و ذابت سلیمانها وظلیت بنا سیرین بنجه احقاب و سنین اورنگ نشین
بسط و تمکین ایدوب ایام فوز انجام هما یولا و تزییرات قدر سمات الهام مقر و تکریم اشود و ت
روز افزونه مایه فیوضات کونا کون و سبب التجا صنادید ربع مسکون ایلده آتین نوکتلو کراملو
مهاتلو قدرتلوی نعمت اقدم قوت بخت جهان بینی و همت خورشید خشت کشور ستانلری اثر و ثمری
اولی اوزره ابتدا انجی جاسار کیمی دشمن بدینجا نکت رهبر و درکات نیران و لمندیز و بعضی مسقطی
کوریتان جاری حلیت نشانی و دخی حفره حوامانج جاسار مسفور و همفعان قلنسندز نجه دولتی
دائره سندن و بلکه عموماً اوزر و پاهالیسی بیسندن و قوع بولان اختلال و اغلال که انکرت بعضیدیه
موجب خساریشمار و بنجه اخزاره سبب فوائد بسیار اولر جعی واضح و اشکار در بنا علیه دولت علیه
روز افزونلر دخی حکیمان حرکت فی عین الکون و ادیلر نه ایهت نمون اولی مصلحت قوت
و حاله مطابق و از جمله بوللال بنجه لویه محمد و اولان سرحدات امر از امتیاز ایش قورلریدن
برینک بولنسی جلب منافع مزاجیه موافق کورینوب و دولتی کون در مکت مقرر علیه لریه یل و استیلا
اولدیلغی اوزره حاله حایه ده اولان صدر سابق محمد باشا قورلری نجه کفره سنگ ابتدا ی نقص
عهدنن مسالمة التماسلری و قتلر نه کلجیه دک و دین سرحدلریه و اردوی هما یونلری سرحدلر نه
ما مور و مخصوص بولنسی سبیل عون عنایت باری و محض همت جهانداریلری نتیجی سی اولی اوزره
مسفور لک مبتلا اولد قورلری لوازم قهر و تدبیر و دولت علیه لرینک موفق قلندیلغی لوازم
و تخییر مشار الیه قورلرینک مشهود و مجرب اولدیلغدن بشقه کفره ضابطانی ایلده نجه دفعه محاربه
و شاجره سی درکار و لذلک طائفه قوم بینندن دخی رتبه و اعتباری بیدار و اشکار اولی
طیحا و محفوظ اولغله مشار الیه قورلرینک بویله و قتلر نه بوسنه سرحداتن بولنسی سار لریدن آب
و بوجالکک بمنه سجانن نجه فوائد خفیه یه مودی اولر جعی روشن و مبرهن کورینوب بنا علیه کندی
بوسنه ایالتی توجیه و بران اقدم محله سوق و تسیر قلنقی عین تدبیر خیل اولنشر خصوص قوم
جلائی حقایق اشیا و مرات صور الهامات فی منتها اولان نمای فیض حسوای جهان ازلره
قره بعد اخری وقت و زمانه البق و احسری مشاهیر بولر دیلغی صورتن بود دفعه آتی و کز محافظه
ما مور قلند قره و له قالیونلرینک برینه ریال سجاغی ویریلوب قره و له مرقوم معیتنه ما مور
و دیگر قره و له نکت و آق و کز فرقه لرینک اوزر لرینه باشموج تعلیم اولنقی و جمیل و دولت علیه
صورتنی محافظه اینرک خانیه یه وار و ب مشار الیهی حایه ون سلا نیکه و سلا نیک متصرفی و دیر
حسین باشا بی دخی خانیه یه نقل خصوصن سهولت کیمی درکار و سلا نیک متصرفی مودی الیه
دخی کند و نکت دامادی بولنقی تقریبی ایلد اقصایدن مواشی و دواب و سار لوازم طریق و ذهاب
تد اکرن فی سلی مدار اولر جعی اشکار ایدیلکی معلوم هما یون جهاندار ی و مرسوم طبع الهام منع خودنکارا باری
بولر دق الحاقی اولان هر سگ سجاغی ایلده بوسنه ایالتی برمنوال محرم مشار الیه صدر سابق محمد باشا
قورلریه و حایه محافظه سی دخی دامادی حسین باشا مملو کلر نه و سلا نیک سجاغی دخی شملک بوسنه دخی
منفصل اولر جعی محسن زاده عبدالله باشا بن لرینه توجیه و احسن اقصایدن او امر علیه عنایت اشملک لری

بعد الاحصار هر بریک طرفه تیسیر و ارسال قلعغه مساعن با عاوه کشور ستانیدی مبدول ارباب
 بنوریلو رایسه اولیابن امرو فرمان و ایفای لوازم شکوه و شان شوکت کوکرامت و مهابت مقرر
 ولی نعمت اقدم بادشاهم حضرت یکدنر ناد و شاه عاقبت تبادن و رود ایدن ایچی خان اید عقد
 اولان مجلس و وقوع بولان مکالمه نک مخصوص عرض بنج بمقدار بود که شوکت کوکرامت و
 مهابت و قدر تو ولی نعمت اقدم بادشاهم جناب رت العزت باعث امن و رفاه انام و مورت رفیق
 بخت ایام اولان وجود و مکارم اند و خسروانه و ذوات عوارف سمات ملکات لرین الی اخر الاولان
 و بنیم جلالت و سیم تاجدار لرین ثابت و برقرار اید و ب حلت روز افزون ظل البیدین جلالت
 توفیقات حمدانیه سید تاین مقرون و تابدات سجانیه سیده حاسن تبا سیر مریون الیکندن
 حالی و لیه آمین بانسی الامین شوکت کوکرامت و مهابت و قدر تو ولی نعمت اقدم فضیلتو امام اول
 افندی و اسعد افندی و خلیل افندی و اعلی معیتلرید بهاریه نام سالخانه ده ایران الیچلرید ملاقات
 و بعد اجرائی الرسوم بعضی دوستانه ایران الیچلرید تعبیرات اید کلامه آغاز اولوب ایچی خان جنابید بویه
 بر مجلسه بزم هجی اشتیاق و در کار ایدی و تاحمد و المنه ابتهلوشه حضرت لرینک و ولتین بنین و
 و طاعتین میانن بوکونه موجب تالف و التام اوله حق حالانک ایقاعید جمله اهل اسلام تحمیل
 منت بویشر در کند و لر اید دولت علیه عثمانیه نک و دستلقون غیره و محبت و مودت و ازیر
 بر باشقه اراده و نیتی بو قدر و روز بروز بمصافات و موالانک تا کدو اسحکامی خواهشن و چه
 دوستانه ادا اید تحریک سرشته استنطاق اولندن کند و لر دخی و دیا بجه کلامه لر اید قسم
 عنوان ساز و بر بر لرینک سوز لرین نصدیق و تحفه و مساز اوله رقی شاهم حضرت لرینک دخی
 مقصود و مراد ایچی بویکی دولت عظیمه نک کمال تادی اولوب و بوالشام و اتفاق نموده
 اولتی اوزره بر لرینک تعاضد و تعاون اید رک وقت وقت طائفه اسلامه ایلادی خضات
 و اعیینه اولان کفارتیه کارک قهر و تدمیریه صرف ایکل شاهمک اقدم آمالیدر و بزم بر غیر کدو
 فکر و تیز بو قدر ایچی خوشن موده بی شوکت کوکرامت و مهابت و قدر تو ولی نعمت اقدم
 یکی موده سنن عذیر و وار و بر بویردی بو عذر لر اید بیلر حضراتی بر بیان بوسونلر و بیلر
 البیهم و اعیله دخی مادتین معهودیتین اولان اغذار شرعیه بی تقدیر و تفصیل اید کلرین بوند
 معلوم اولدی لکن بزرگ بویشرک تمشیت بولور و بویکی دولت بنین اولان قیل و قال بوظف
 اولور امیدیه هندستاندن بروطی مراحل اید و بکشمه در شمدی بویه تپی دست عودت اید و ب
 زخمیگریمز بهبا اولسونی دیوینیه یکی موده مک اسعافی نیارتی تکرار لرین بزم اید و بکشمه بکشمه قطع
 منافسه و مباحضه اوله حق امر بو قدر و حاشاکه دولت علیه نک در دلوینر و دایره سوه قصدی و اش
 اوله لکن بهر حالن حرم و احتیاط لازمه شان دولت اوله لکن ایچی کندی ملکتمک و رعایانک
 محافظه و نظمیشدی ملاحظه سنن بوز موده مک شاهم حضرت لرینک جامعیت اسلامه منافی رعایت
 ظهور ایتیه دولت علیه مرفزون دخی خلاف مصافات برو جمله حرکت اولنر و اولنر ایچا بو قدر

قالی کی بوسید اید طر فزون منافی لخواط بر حرکت وقوعن بوطرفن دخی دفعی صائل مقامن کنند زنی
و مکتومی حی فطرح مجبور و معذور اولورزدیو مقابله اولند قن دعوی خلوص طویست کزن بنه ایراد اسم
تاکید مدعا این رک مطلب و امر انجی بواشک خیر اید انجام و ختامیدر دیکر یله یا چونکه مراد بود
دو یکی کون مهماندارا خایه ایراد ایندیکر کبی واقعا بکو نه امره بویلر بر خان ذیشان مشیت ویرلور
شاه حضرت تری یکی ماده نک حصولی التماس بویشر ایشته بز عذر مزی بیان ایدلک و بز دخی
شاه حضرت ندن بوبابن عذر مرک مقبولیتی التماس این رز خان جنابی بو خصوصری طرف شای
بویلر جه یاز و جوابی و رودنه دک بونق اقامت و انتظار می ایدر و یا خود دعوت کزن هنر ایه
عذر مزی مسوعی اولدی یی کبی و دولت علیه نک شاه حضرت ندی صدق و خلوصی کد نک مشهوری
اولدی یی مشلوعرض و افهام ایدر بین الانام برینک نام تحصیل می ایتام ایدر دیندر رک اشک
تریحی تحیر سیاقن مخفی کند ویه خطاب ایدر بر مقدار خیر خواهانه نصح وین در کلمات دخی
تلقین و تقهیم اولند قن فرضا بن کسم و یازید حق مواد شاهی حضرت ندی تحریر و نحو الیدن
ایدر و بر جا بار ایدر کوندر سم مامول بودر که بر لرا رض رومه وارمزدن مقدم جوابی کلور صورت
بن منتر ایدر کیر و عودت ایدر دم یعنی اقامت باس و غریمتن مانع یوقدر و اولدی یی اشرا ب انظمله
حکما نه کند و توقف و تحریراتی کوندر و جوابی انتظار نه کندر خواشدری اولدی یی مهماندار مومی ایه
تقریر لرا فحام اولنمعه کیفیتی بر کره دخی کند و بنیلر نکر مراد کره و اطراف و انجاسنی ملاحظه ایدر
قتی صورتی اختیار ایدر لرا ایه مهماندار لری درویش محمد اغا قولنر لیر یا رنگی کون نزد جا کرانه اخاره
قرار ایدر اجزای مجلسه ربط شیرازه ختام و باش ایچی اولان خان مومی ایه قولنر بر محو و خیر ایدر
انام لوازم اکرام اولدی یی معلوم ایت مرسوم خلافت بنا بیلری اولد قن امر و فرمان شوکتلو
که امستلو ماستلو قدرستلو ولی نعمتم افندم بادشاهم حضرت ندیکر **نادرشاکت احدث مذاب**
جعفری خصوصه و از طرف ذن مامور خاندنیک بغداد والیه کلان تحریر لرنیک و نصف طایری
استغفارنیک کیفیتی تخمیدر عرض بنن بتمقدار بودر که شوکتلو که امستلو ماستلو قدرستلو ولی نعمتم
افندم بادشاهم جناب خداوند قدیر جل عن الشبهه والظفر قطب فلك سلطنت جهانیان و مدبران
و رات عالمیان اولان وجود مهابت نمود خیمه وانه لرین همواره سریرا شوکت و اجلال و رفق
افزای سعادت و اقبال ایدوب منجوق زیات شهادتین رسیدن سپهر برین و بدخواه دین و دین
انواع قهر و تدبیر و خذلان قرین ایلکدن خالی اولمیه بین بالنسب الامین شوکتلو که امستلو ماستلو قدرستلو
ولی نعمتم افندم بغداد والیسی وزیر مکرم احمد باش بن لرنیک بعد المغرب مخصوص تازی یدیه تحریراتی
ورود ایدوب خلاصه مفهولرن خانان نادرشاه سیدن فی الجمله حازن نقین و امتیاز اولان نظر
و علی بن زن مشار الیه املق اوزره بر قطعه مکتوب و قائم سی وارد و مودای مضمونی کو یا حققت
ادعاسند اولد تقری مذہب جعفری فرد عاتندن مورث شہه و خلاف اولور حالانک دفع و ازاله
مقصود شاهی اولمغله بوجابن اولان اهل سنت علمای سید مباحثه و مناظره ایچون بغدادی علمای سندی

۱۱
مناسب بود و یا خود دولت علیه عثمانیه به بعد الاستیذان دولت خاقانیه علی سندی اخبار اولوز را حاصل کرد
ایک نفر ذات معتبرک جانب اراز اسلاری خصوصی مشعر اولوب و خان مرقومک بموقوله تحریری
شاه مشارالیهک و معیر حسن علیخانک مقدم و رودیدن تجارت تهات سماندن درج توان
مباها ته منافی ظهور امتیسی مسموع و متواتر اولان ضعف حال دینی مؤید اولقدن باشه بوکونه تحریردن غرضی
نه ایدیکنه دار وزیر مشارالیه قولدرنیک طوطی اولان احتمالات عقلیه فی کندی قائمه سندن اشعار و تفسیر
و خان مرقومک قائمه سندن جواب اولمق اوزره طرفدن تحریر ایدیکنی مکتوبنک ترجمه سنی وخی ارسال
و تفسیر اینکله جمیع تجارت و خان مرقومک قائمه مزبوره سی ترجمه سی مرفوع رکاب مستطاب جهاندار ایدی
قلندری الحقیقه بو تحریرک مفهوم و موداسی علی ای حال ضعف و فوریته دال اولدینی قرطی طایفه
اولوب انجی بو تحریر لینه ماثه و عدم ماثه کیفیترکی ایشک اطراف و انجا وزیر و بالایی ترکی
ملاحظه و تامله موقوف امور دن ایدیکنی محاط علم الهام شمول خسروانه لری یوردلقدن امر و فرمان یوردلقدن

کرامتو مهابتو قدرتو ولی نعمتم اقدم بادشاهم حضرت لیکدر **قریم خانک** **استانه ده صدر اعظم**
کلیجه دکت و غیمته مشعر قائم مقام طرفدن **یا زبلان** **لخصه** عرض بن بمقدار بود که
شوکتو کرامتو مهابتو قدرتو ولی نعمتم اقدم بادشاهم آراین مر اسمد دولت ویر این لوازم
اهمت و سلطنت اولان مبارک وجود غایت و فو و بادشاهی و ذات مکارم ایات شهنشاهی
جناب حق و فیاض مطلق سر بر سلطنت میر تا جداریدن دائم و برقرار و تدبیر امور و جمهوریت
باصرة البها لیرین توفیقات جلایه سینه سینه موفقی اید دائم و استوار اید این بحره من لقیام
السموات و الارضین شوکتو کرامتو مهابتو قدرتو ولی نعمتم اقدم جلا و تلوا خان عالیشان
بنج لرنیک وزیر اعظم حضرت لیکلیجه دکت **استانه** سعادتندن مکت و توقه خواستی وارمید و
مقدما تقسیم اولدینی اوزره یوم اشیندن غیمت و حرکت تعجیل می اید کند و دن استمراج اولوب
شقی اختیار اید رایسه مساعف همایون جهاندار ایدی ارازانی یوریه جفی نه مشعر چاکر مستدیر غلایا
بنایض اوزرینه شرفیخت صدور اولان خط همایون عطف و تفرقه و ندری موجب کیفیت کند و دن استمراج
اولمق اوزره مشارالیهک قوتیخت اسی قولدری نزد چاکرانه مکتور دیوب مر احم بن نوازانه ملک
لطفا و عنایه شقی مرضی و دلخواهت کند و اختیاریه احواله یورلدیغی مرقوم قولدری و سلطیه افاده
و اتمام اولدندن کمال مسرت اظهار و فروغی عمر و دولت ظل المبهلری نکواریله اگر چه صدر اعظم
حضرت لرنیک شرف ملاقات لیریه شرف دلخواه بنکانه م اولوب کن هر حال سینه نهاد و اعتنا و عظیم
تحصیل رضای میامن و ارتضای خسروانه لری اولمغله مهر نه یوزدن امر همایون جهاندار ایدی اراز
و جاری یور یور رایسه اولوجهله حرکت وخی باعث شرف و مفاخرتم در دیوم رعایت مر اسمد داب
ایله ابراد جوانی قوتیخت اسی قولدری طرف مشارالیهدن اولمق اوزره افاده و تقریر ایدیکنی محاط علم عاشقون
ملوکانه لری یوردلقدن امر و فرمان شوکتو کرامتو مهابتو قدرتو ولی نعمتم اقدم سلطانم حضرت لیکدر

مستوفی الذی دار کفایت مشهوره ضمن عقد اولنان مجلس خلاصه سید

عرض بنج بیقرار بود که شوکت کرامتو مهابتو قدرتو ولی نعمت اقدم بادشاهم جناب حق و فیاض
مدار نظام دولت و قطب فلک سلطنت اولان وجود فیض اند و خیر وانه لاین الی الخالاد و ارفیم
شهادت و سیم تاجدار پلین مستدام و اوان امانت اقران ملوکانه لاین انواع توفیق و تائید ایل
نخبه اعصار و اعوام ایلین بجاه النبی الامین شوکت کرامتو مهابتو قدرتو ولی نعمت اقدم بوشاد
مستقولاید در میان کفایتک زیر و بالاسی و بالاقصا طرف جاگردین مستقولباش و کینه تحریری
تضمیم اولنان کاغذک رسالی خصوص لینی مذکره ایچون وزیر مکرم یحیی باش و قبودان باش و اغا باش
بنج لری و فضیلت لوا مام اول اندر و صدرین اندیلرد اعلی و د فخر دار اقدی و شریف اقدی و سپاه
و سحر دار غاری و جبهی باشی و طوبجی باشی قدری بکون ساری جاگردی و دعوت و عقد انجمن مشورت
اولنوب ابتدا طرف دولت علیه لردن مستقولیه اعطا اولنان عهدنامه های یوندرن انجمن محققه
مواد و بعض طرف جاگردانه دن باش و کینه تحریر اوقتی اوزره قلمه النان مسوده مکتوب جمله جواب لرنه
قرأت و مضامین و مفایه افاده اولند قن صکره کاغذ مرکب تسوید و تضمیم اولند یعنی جمله
تبیین و تیسیر و الیوم درت قطع سفاین ایله قواق بیشکامین مربوط مسای توکیف اولان
مستواسر اسنک تعویق و ارسال لرنن ققی شقن فائز و بهجت ملحوظ اوقتی خصوص لرن
حضار مشارالیمک لایحه خاطر لری استعلام و استجواب اولند قن مکتوب مزبورک تسوید
اولند یعنی جمله تبیین و ارسال لینی جمله سی استصواب و استحسان و سالف اندکراسر اسفینده
تعویق و توقیر لری الی سر رشته بولمنق ملاحظه سی اگرچه بر مصلحت کورینور لکن مستقولوطا نقد
اوتون برودک و خدیعت اوزره مجبول بر قوم اولوب دامانده می مواد حرکت و فساد لرن
آخره غرض و نسبت اینک مقتضای طینت لری اولمقدن ناشی علی طریق الاحتمال بکه ضمیر لرن بر اثر کونه
نیت فاسد لری اولوب اجرا و اظهارینه وسیله جویق داعیه سنن ایلر بر کفایت سر رشته ملغیت
انجا ذیله قصور و فوری طرف دولت علیه اسناد اینک جالتی ملاحظه دن بعید اولوب و چونکه
دولت علیه ابدی الاستمرارک دخی اوتون برودت و نصف اوزره حرکت لازمه شان
سلطنتی اولمقدن بوقوله مستقولوطا قدره تسلیم و سفایه وضع اولنش اسر اسنک تعویق و تاخیر لری چند
مناسب اولد یعنی مشارالیم قدری بالاتفاق اظهار و بیان ایلد کمری معلوم نهایی حقایق اشغالی
جهانیا نیری اولد قن امر و فرمان شوکت کرامتو مهابتو قدرتو ولی نعمت اقدم بادشاهم جناب حق و فیاض
شرق جانبیه تعین بر عتک مرز عقد اولنان مجلس مشورت مختصه
عرض بنج بیقرار بود که شوکت کرامتو مهابتو قدرتو ولی نعمت اقدم بادشاهم جناب حق و فیاض
و مدبر احوال جمهور اولان تقدس ذات عن و صمه القصور حامی بیضه اسلام و حامی حمای دولت ایلیم
اولان وجود حیات و خود شایانه و استقامت اند و خیر وانه لاین همواره سر برادر اسطوت و جلالت و رفیع اقدی
امانت و جلالت ارباب ملاحظه امر و جلالین جلالتن انظار محاسن تدبیر و مصدر ناز و لذت بر ایلد
اولین بجاه النبی الامین شوکت کرامتو مهابتو قدرتو ولی نعمت اقدم طینت درایت و خیر وانه لاین مرکز اولان جوهر

حقایق نمای شد و نهالری مقصداً بنج سوز جلوه که مجملای ظهور اولیان حمایای موردین غواقب بین بصیرت
 الهام سر نیزین نمایان و غیر مستور و لمقدن تا اسلوب مرغوب حکمت رعایت و اجزای امر اسم غرم
 و احتیاط میل و رغبت ضمنی شرق جانبین واقع حدود و نفوذ حاکمانه لریک محافظه و تقویت کج
 سرکرک عنوانید بر وزیر تعیین اولنمقی ان بدو یا خود اقتضای وقت و حاله کوره محافظه نامیلر
 اسل مستصوبه مخصوص مرقومی خیر خواهان دین و دولت و وجوه اعیان سلطنت سینه لریه لریکی
 مذاکره و استشاره و وقت و حاله مناسب اولانی مبارک رکاب همایون ظل الیه لریه عرض و تخیر
 اولتی باین بیاض اوزینه شرفیافته صدور اولان خط همایون حکم نمون خسروانه لری مضمون اصابت
 بمقرونی اوزره بوکون بعد صلح الجمعیه حاکم افندی داعیلری و وزیرین مکرین قودان باش و اغا
 باش تولدی و فضیلتو امام اول افندی و صدرین محرمین و بقا اوردوی همایون قاضیه سعد افندی
 داعیلری و دفتر دارش اول عارف افندی و امین و دفتر بقی شریف خلیل افندی و وزیرانجه اول
 سابق و لاحق یوسف افندی و مصطفی افندی و کسریه طاهر افندی و سعد اسد افندی و سپاه و سوار اغالر
 و جبهه باشی و طوبی باش و عریضه جی باش اغالر قودلر سرای جاکر جمع و دعوت و مشار و مومی الیه اداره
 محوره مذاکره و مشورت اولند قی چونکه هر حال تحری و احتیاط و ملاحظه انجام و عواقب اید تیق و انتباه
 حالتی محض توفیقات الیه دن بر کیفیت اولد یغنه بناء حواله مذکوره نک تقویت امر لریه اهتمام و اعتنا
 کیفیت عین اصابت اولد یعنی باشباه اولوب لکن امر تقویت به حال مکانی مرتبه بر جمعیت اید بر بصیر
 و مشیقه سر کرده نک مامورینه نجات اولمغله اگر حد ارض روم و الیه وزیر و دی باشباه باشوغلی نمای
 ویریش و معینه بر مقدار عسکر دخی تعیین ببولش لکن بر وزیرک عسکر عنوانید ماموریتی مامور
 معینه اولان طوائف عسکریه نک نیز الدن اجتماع و احتشاده باعث کریمتی و شیرازه اخراجی
 اولمغله بر کیفیت باشوغلی متعین صورت بذرا و الیه جی بالخرجه معلوم اولوب و سر عسکر نک القاب
 و عنوانی مجرد حاربه و محاصره صورتیه منحصراً و طوبی دولت علیه ابدی الی استمرار افندی محافظه مالک و بیقاع
 و تعمیر نفوذ و قلاع و عقد مصالح و مسالیه مثلله اموره دخی متعین سر عسکر نصب و تعیین اولنه کلید کند
 قطع نظر شدیکان جمع لشکر و مقر عسکر اتخاذ اولنان صحرای ارض روم دخی راس حدود ایرانه سکر
 اون قوناق مسافه اولن حسیله سر عسکر تعیین و لنتق بر بای و محذر ملاحظه اولنما مغله جانب مزوره
 و زرای عظام قودلرین حرج الاطوار و ضبط و ربط عسکره صاحب اقتدار بر قودلر نک مامور تعیین
 ببولشین بالاتفاق استصواب و استحکام اید کلر در صکره الیوم ان اطولین اولان و زرای عظام
 بنج لریزن تعلیه مناسب و مستحسن ملاحظه اولند یعنی دخی جلد حضار مشار الیه دن استجواب و استنطاق
 اولند قده حالاً ان اطولین و الیه اولان وزیرین باش قودلر نک ایکی دفعه بنذر و کف جانبدار و قریح
 بولان سر عسکر لکدرین حسن سلوک و حرکتی و طوائف عسکریه اید برانسه و موافقه مشهور و معروف
 شدیکان محض و اولان محافظه مملکت سر عسکر لکدر مشار الیه قودلر نک مامور و لریغنه اگر حد ارض

اتفاق اول شد و رکن خصصه ذات همایون لری اولان خلعت الهیه مقتضای ترقی حقایق اشیا
و تعین غرور و مریایست که نهار الهام آشکار خلافتنا بیلری اولمغه کرک تعین بویله حق قوتلر تک
انتخاب و تخصیص و کرک نام عنوانک تمیز و تخصیص خصوصیه تعلقی اراده حکمت افاده تا جاریلر
منوط حال بدن اولدیغی معلوم جلا و غرور خود خداوند کاریلری بویله و فرمان و رای صابت
نشان شوکتلو کرامتو مهابتو قدرتو ولی نعمتم اقدم باد شام حضرت نکند

تالیله قوالیه اولان مساله تخلص عرض بنحیض بقدر بود که شوکتلو کرامتو
مهابتو قدرتو ولی نعمتم اقدم باد شام جناب رب لم یزل عز اسمع و جل حضرتی سلیمان
منش زمان واسکندر روشن دوران اولان وجود و هب الود حاقانی و ذات عنایت و نور
خبر و انیلرین الی یوم التنا و زین اورنک بخت خدا داد و آرایش کلسنر ای خلافت رب العباد
ایدوب عبته آسمان منقبه خداوندکاری و سن اہمت عن جہانداریلرین دمیدم مرجع و نور
ملوک ام و قدم بر قدم ملجای عطا رضا دید عالم ایلیه آیین شوکتلو کرامتو مهابتو قدرتو
و طاعت اقدم و در علیہ خلافت انکارلرین تالیله قوالیک التماس و استدعا ایلیکی عقد مسالہ
مساعدن باسعاده شہر یاریلری ارزانی و جاری بویلوب بوزن اقدم اخذ و اعطا اولنان مسکوره
شرط قلند یغی اوزرہ تصدیقنامه سے حال دربار اسکندر آثار بادشاہیلرین مقیم مرض بکرادہ لرینہ
وارد و واصل و لمقدن تاشی طرف ہمایون اہمت مقرون ملوکا زلزلن و شرال مشار الیہ
و بیلہ جک نشان شوکت عنوان تا جداریلری ایلہ مباولہ و نمسی بالاسیتان مقتضی اولمغه
اشبور روز فیروز کہ مبارک رجب المہجک الیغنی سبت کوندر ساعت نہاری و رتق الیکن
مرض مرقوم کتور بویلوب شان خلافت عنوان جہاننایلرین شایان و جہد کند و یہ نوازش اولنہ رق
امر مباولہ انجام و بو خصوص وخی ادنا التفات قدر سمات شامانہ لری برلہ بذر ایحی حسن ختام شد
تفطیات اموردہ سنوح ایدن نطق ہمایون الهام نمون ظل الہیلری من عند اللہ روح برلہ
کلدیکی بیدار روشن و ہر حالن برام مبرہن ایدیکی چونکہ تجارت متعددہ ایلہ معلوم و خاص عام
عذرتن مفہوم و مجرم بر معنادر لذلک مسالہ مرقومہ تابید اولن حال لری تقدما زبان لوح
اشیان یاد شامانہ لرینہ جہان ایش بولوب کیفیت مذکورہ اولوقت مرض مومی الیہک
دارہ رخصتدن خارج بولمتی حسبہ مسالہ مرقومہ فراخجہ و انگیزہ و سرتابہ معنور اولان مستانندہ
قیاس ایلہ تنظیم و تابید لفظی مادہ سنی مرض مرقوم قوالی طرفہ بشقہ جہ افادہ و ترقیم ایش ایش لذلک
نطق صدق صادق ہمایون لری دولت مسفورہ یہ باعث اشراف کونا کون اولمغه ازل و جان
تابید لفظنک تصریحہ خواہان اولوب تصدیقنامہ لرین اودجہ اوزرہ تفسیتی اید کلری مرض
مرقومک اشعارنن تعہتم اولمشدر حضرت بچن ایام اقبال و اجلال ہمایون لرین دمیدم
افزون ایدوب قطب دارہ خلافت اولان ذات کرامت آیات خداوند کاریلرین مجموع
دول ملکہ منظور حسرت و مہر اعدا و بدخواہان ضمنت اطہار و لا و عہودیت ایزنری شادان

و سرور ایلیه اخذ اولندان تصدیق نامه لری رکاب کامیاب حم خد ملرنه عوض و تقدیم اولند یغی دخی
معلوم ابهت مر سوم خبر دانه لری اولدقینه امر و فرمان شوکت کراستدر مهابتو قدرت و ولی نعمت
افندم پادشاهم حضرتلر نیکد

فدیم بادشاهم حضرت لیکدر
عرض بنماید بقدربود که شکست کرامتو مهابتو قدرتو ولی نعمتم اقدم بادشاهم جناب نظام آری
امور و کما بمحتشای جمهور جل شانہ آراینک سریشوکت و بیر اینک اکللیک جلا دت اولان و خود بک
آود و خسروانه و ذات مکارم نمود و ملوکانه لرین همواره کلمه ران اقطار جہان و مراتب فرمای زمرہ
بنج کان ایدوب نیز مکرمت خدا و دلرین بر توریز اطراف و افاق و خضر اُفت بی اند و لرین
موج انیز مراحم اشفاق ایلکدن خالی اولمیه این بانسی لایین شوکت کرامتو مهابتو قدرتو
ولی نعمتم اقدم محاکمات محروستہ الممالک خلافتنا بیلدن سوا حل بحر سیاه واقع جانیک
سجای حلاله برزن بکلر یکسی اولوب وان محافظه سنه اولان اوچنی زاده عمر باشت بن بریلہ
درگاه معلای قیوچی باشیلر دن فائسہ لی احمد اغا قولدرنیک بروجه مناصفہ و اشترک
مالکانه اوز لرین اولوب لکن موی ایہانک اوتہ دن بروینلر دن واقع مناصفہ و عدالت
بروجله بذیر اصلاح و تدبیر اولما مقدر ناشی بالنفس کند برینلر دن متعذر الوقع اولان بیات
ایلاف و اجتماع اعوان و اتباعا علی بنین دخی رسید و رجہ امتناع اولمغه بوندن اقدم احد
طرفینک بر برلرہ منافی اخر دن وقوع بولان شکایتی بناء محض احضار خصما بعد الترافع
حقیقت حالی ورد و لمتدار لرہ اعلام و انہما ایمک اوزرہ درگاه معلای قیوچی باشیلر دن
واشتراف قضایتن مباشرہ موتی تعیین اولنان عثمان بیک و سلیمان افندی قولدرنیک
نشانده ورود ایدن کاغذ لر ی بوندن اقدم رجہ مرفوع رکاب خطاب جہان داری قلمغله
باشای موی ایہانک اول مرده منسلبی و بعن قریذاشی ایدہ فائسہ لی احمد افانک و عدوت
و تبعہ شک بیلدن وقوع بولان مفسدت و بوندن بریلہ اجرائی و اعین سن اولدری خبا
و شقاوت و باطلہ معلوم و قاین مرسوم ظل القہمدری اولمش در بونلرک کند و لر ی بنین
مشعل اولان نازرہ خصوصت و عدالت اتباع و متعلقانیدہ دخی شرارہ باش سراعت
اولمغه لوازم بوندن بالکلہ قطع عروق تعلقلرہ حوالہ تبریز اہتمام اولمغه فی صورتش و مشاو
و شقاوتی یوماقیو ماتر اید و ضرر راکری متعلقبیہ رفت خسروانه لری اولان سکا
مملکت و فقرای غنیہ راجع و عائد اولدجی کالشمس و وسط السماء فایر و جویا و مری الیہ فائسہ لی
احمد اغا قولدرنیک دخی ہر جملہ سزوار عاطفت و شایستہ عنایت اولدجی ناصنہ استعداد
و استیما لندن نمایان ویدہ اولمغه عواطف علیہ ملوکانه و عوارف سنہ شامانہ لرین سوچی
الیہ رتبہ سالیہ غیر میرانی ایدہ کفہ ایالتی احسان و توجیہ و بالجملہ کند و یہ تعلقی اولان توابع و لواحق
استصحاب و مباشرہ موی الیہ عثمان بیک معیتی ایدہ کفہ جانبہ مرور و عبورہ سرعت و شتاب الیسی
خصوصی سقیل امر شریف ایدہ تاکید و تقبیہ و کذلک اوچنی زاده عمر باشت قولدرنہ متعلق اعیان
و سکا نک دخی نہ مباشرہ موی الیہ معرفت لواء مزبور در رفع و تعلقی بریلہ باشای موی الیہ

معیت رسال تسلی می و لواء مزبور که مالکانه متصرف در مومی ایلمی فلرند و ملوک اوزره ضبط
وربطی و اشقیاء مقوله سنگ تاجی و مال میرینک جمع و تحصیل خصوصاً چون دنجام کا معلا ری
قوجی باشیلر دن اولوب رشید و منبصر و بمقوله خدا مالک عهد سندن حکم قدر فی ظاهر و لایح
حالا قودان باش کتخدا می عبد الرحمن بک قودری تسلیم نصب و تعیین اولتی خصوصاً معیار
حقایق سنج اشیا اولان مبارک ذهن دراک فیض انکار نر و حتی سنجید کف استحسان
بیر لایق صورتی بروجه محرر اقتضا ایدن او امر شریفه لری اصدار و بران اقدام تسلی و تسلی و تسلی
ابتدای اولتی باین مساعی همایون خسروانه لری مبذول و ارزانی میور لریه امر و فرمان و لطف
و عنایت و احسان شوکت و کرامت مستلزم است و قدر تلو و لی نعمتم اقدام بارش هم خضر نکرید

همواره ندیم نرم خاص الخاص انس و الفت و مقیم زوایای زنج کافی و عنایت اولمیری و عوفی
تقدیمه انباء متعجبانه بود که حکیم قلم اعجوبه رقلری اولان نامه مباحات آمیز و قیمه تر بات
انکیز لر و اصل اولوب مضمون کذا فکون و لاف مشحونی زیور و حیثه استعجاب و بیاریه بیاض
استغراب اولند قن صکره بمقوله تر بات بمعنی و کلمات مالا یعنی نک جواب با صوابی صمت
و سکوت ایدو کی بی ارباب اولوب سکوت صمت عجز ندن زباندا نسف لغد ندر فحوا می اوزره عجز مزه حمل و لطف
ملاحظه سید سر جهان و لاجول کو یان کیت سبک جولان خادیه بوزمین اوزره اراخی
عنان اولنور که بی یاد کارا کر بو و قه و ک سر عسکر مزه حاله و الیم نه محله و در کیفیت
کیتلری منوال اوزره در کما بیغی خیمه و اکاه اولما نراعتقا و نر ایسکر زهی رش و زکاوت
و اگر معمر اولد یغن سر زوخی بیوین کر لاف میر غم میهم سودای اوزره مجروح و ضعیف و زک
عجانه و کداف مغز و راه ایه زهی بل و حماقت و الحاصل تغییرات مکتوب غایت اسلوب کردن مراد
و مقصود فهمنخی خیلی صعوبت در کار اولمقدن ناشی و افزایان بازار متجدد نک و بدو بزرگ
عاقله و جستجو و نظر و دلالت خواجه خرده و ان عرفان ایلد بو نکته تحصیلنه امکان اولد کی اجتناب
و حسن توفیق عسکر فیه و زی سیکر عثمانیک محل قریه و رودی سر زره بو شر با و آرام فرسا اولمفل
کمال بیج و تاب و اضطرار بکردن ناشی اقتضا ایدن خط و داغیه دن سر زره الفاظی روایط و کلمات
بی ضوابط قبیلدن اولمفل تحصیل معنا سندن قوت فکریه القابنه محتاج و اطمینان المعنی فی بطن الشع
مصدقات ماضی اولمش اوله مثلاً معناسی را و کیره تابع اصطلاح جدید اقسامدن فرض اولمفل
اوت دن بر معلوم صفار و بکار و مر سوم صحایف اثار اولد یغی اوزره بشور سندن متجاوز و محاکم
وسیعۃ الابصار و بین فرما نفا و مملکت آرا اولان ملوک ستوده سلوک عثمانیه نک مدار افتخار
ایران اولان شاهان پیشین نام صاحبقرانی و اسم عالمگیری ابله کوی ربای میدان اشتهار اولان

نجات بان قوی الاقدار اید طرح انداز مکافه اولوب حول و قوت جناب العزت اید هر بنیک
دفاع گیر اندودنه صعودیدن بخار نخوت و غوری اشعه شمشیر اید تحلیل و تقطیر و جو آسمان سلطنتین
ابخره کشفه عدو اندرندن تلطیف و تطهیر اید کزندن ماعداد دل ساره دن اختلاس و لبنان
نجه ممالک و قلاع و رباعن ممالک محروسه عثمانیه یضم و الحاق اید توسیع دایره مملکت و تکریم
سواد دولت بورد قریب آثار اید بیدار اولان بیهیتات جلبه قبیلندن اولمغله و ارسته قید
انکار و ریع مذاکه اساس مصون الانداس دولت عثمانیه وقایع سلطنت حاقانیه نک نیات
و قرار اید شخص واحد وجود نه بسته اولمیب و امانت اید اید صمدانیه و توفیقات سجانیه یاعتماد و اعتماد
ایم کلمه اید بر مقتضای قاعده کون و فساد و تبدلات صور عالم ایجاد معرض زوال و فساد اولان
بر ذاتک وجود اید افتخار و اعتقاد ضمنین سز لک سالت اولد یغیر کز کوبه عی و غرور و سلوک ایتوب
بلکه هر قنقی دشمنان بو مقوله مشابه نخوت و غرور اولمش ایسه بزره مقدمه فوز و نصرت اولد کلکیمن
جنا بکرت دخی بو تحری احرار و ستمایه نصرت فال باخیر اتحاد اولمغله حق بودر که بو خصوص طرفه تمیل
منت ایتش سز در تبک مغرور اولم کیم میخانه اقبالین بر هزاران مست مغرورک غارین کوش
مضمون ماصدق اولد حق مستر و منظومه کونکرا اولان تغییرات اثناسن سز لک تیر روی ترکش عثمانی
ایکینیه قادر اولد بکرت که بوندن صکره کله جک سر عسکر کز نه ایش کور و جکلر در بزرگ نصیر و و وزیر
اعظمه منتظر ز دیو غلبه و انتصار بکری سواد محنه تقصیر بون تحقیق ایتش مثلثی بروا و بی محابا مغفور
خداوند غیور اولان کبر و غرور و اجتر ایدوب و حالاسر عسکر ظفر رهبر تعیین اولنان وزیر اعظم
سابق جلا و تلک عثمان باشا دفعه الله تعالی لمایزید و یشاء حضرت لری و معیتدیه مامور عسکر
نصرت مارش شکتینی زبان خامه کز ناجیان کتاخانه ادا اید ذکر و ادا ایدوب
و یکش بخوانند امل خسرو که نام بزرگان برشته برد مضمونن تعامی ایتش سز اوترون برودت
تایمه عثمانیه نک مدار افتخار و وجود و شخص واحد موقوف اولمیب و مکتب امتیاز و بربر لایسه همان تیر روی
لامعه سجه بند کان استا اندرندن تهر کیه قوت برواز و مکتب امتیاز و بربر لایسه همان تیر روی
ترکش اول و اندن عبارت اولوب و اوترون برو عادت و برینه لری دخی هر دشمن اوزرینه
بالذات بادشاهان قوی الاقدار تو جی مقتضی اولمیب و بانها صعدوان اولندرون هر یک
فراخو استعداده کوره عن و عتاد اید برین لری تعیین اید کلدر به سز دخی مقابله کزه قدر
کفایتن لرون عساکر ظفر مقرون اید وزیر مشار الیه حضرت لری سر عسکر تعیین ایتش مع مذاکه
وزیر مشار الیه حضرت لری و انا و زمانا سجه خدمات جلیله و اهر از نام و شان ایتش بروزر دلیر
و اصف خجسته تدبیر اولوب بزم کبی سروس ماندرین حرف انداز اولد جفی هرزه راجاندن و قدر
زور بار روی توفیق ایدیه کند و لک نیات اید جکلر در باطنی و ارد حقیقت ظاهری خواهد شدن
ان شاء الله الرحمن یو چند مدتی کلور لک کوره لم حلواند لریز جنابکزه نه حلواند لریز کفر و کفر و لریز

مردان میدانکه نه بابوشد کید یروب و اول خرده فروشگر منزه بازار کر ما کر م داد و سدری
روز کار دُر بقلم نه کونه سکنین متاع صا تو ب نه رکنین بهار لاله لکر کردار و بمنه نعا بوخت
و غوریکزک مجازاتی اومق اوزره ده ساله مددن بر وطمه خوار قمر عثمانیان اولان دیار نه میت
قرار ایران از سر نو مشهد و غراسانه دک خراب ویران و غراب و بومه اشیان اوله جنی وابسته
الطاف منتقم و مستعاند انانی مبابک زده خان حضرت نیک یار دینی کاغدی وزیر مشارالیه نزلین
طلب یدیه سز و یو تحریر ایش سز که یوزن مقصود طرفه افاده حال ایه کاغذ مر قو مک طلب و احضاری
اوج ورت کونه محتاج اولوب لکن وزیر مشارالیه ک سز یار دینی کاغذ یا کزده موجود و بر عتق
طرفه ایضا ممکن اولمغه کک ابدی که کاغذ مر قومی ارسال یدیه سز روی ماسفید الیوم بونردن
قطع نظر درون قلعده اولان مؤمنین و موحدین اولو بالذات جناب رب العالمینک
لطف و عنایت دینی و ثانیاً و بالعرض اسباب عادیه دن اولان امداد عیتمنه انتظار ایله خو گرفته
مصابت اولش ایکن جنابکزه بوخیر خواهی و بوشفقانه نصیحت نردن اقتضای ایشدر اگر باینزده
جنابکزه قدرت عاقبت اندیش و دور بین بر نفیر و غیبه چند روز صحبت کزدنی متاثر اولماشدر
خج بر خویش کیم بابو فاداری دوست بو تخمیک اقتضای اولدینی حال بید طرفه دن لازم ایکن
سز لره بو تهاک ندن نشأت ایدیکلی محل تعجب و کلمیه را که چه بر مقتضای پرورش آب و هوای
روم مجبول و مضطرب اولد یغیر شیمه مروت و منک فتوته بنا تخاریت حیرت یا کزده بو قدر دخی
مقابله اقتضای تمزایدی انجی کالج اندازا یادش سنکست مضمونه دخی بالضرور بعض محلی
رعایت اقتضای سندن تاشخ بر نمقیه مبادرت اولندی والسلام علی من احترم الوری
واستمع الحق و اتبع الهدی راغب بر خلوص و صاف نهاد و قمری حمینه بغداد

حاجی
مسند

در عید دن نادر شاه جان بنه مبعوث وزیر مصطفی پاشا به کیدن نامه ها کوته

[illegible]

لاقام ما رضى به الاصحاب جنابارى هواره آينده مذهب مستبين و هميشه
 وفاق اهل دين اولق رغبات خيري خسر وانه فرقيدي صحنه خاطر انور قدس
 الانار قائم و طبع ازهر ملكى الفخار خد بوان لرى وجه وجهه واسلوب نبيه
 اوزده تشریف و تلطف قلند قدنصره صور و داد سداد حبرها نوزاينه
 ضمير خورشيد نظير ديات مشكور نيزه بوجه اوزده ارادت لوزر كم دربار خلافت
 مدار سلطانه و بارگاه عنايت شاهار حاقا نيزه قبل اقدس و اجل شاهي طرف
 انفس و اشرف سپهر اشتبا هارندن سفات رسومي جراسنه بلكه ديان حق
 انفاسته مأمور اولوب ابتهاج درون ايله تلقى بالقبوله مقرونًا عز انصافه
 مخصص و مآذون اولان ايلات و بسالت نياه ارموت و حكومت دستگاه بكركي
 كبريان شاهان عبدالباقى خان زنكنه دام عنوانه و معابعت اولنات صدر
 الكارم ميرزا ابوالقاسم و قدوة الفناء امام مقرر انور منلا على اكبر دامت افادتها
 ايله طرف باهر الشرف خاقا نيزدن تبريك و تهنيه جلوب منمت مآنوس داور بدين
 حادى فرستاده حضور معالى نشور سا هيلرى قلنا نيا مئنائى هارون و مغاضبه
 سائى شارت مشكور نموده ياد و اراد ان نغنى اوزده عموما اهل اسلام و مخصوصا
 اوليائى دولت خلافت ارشاد مترك اهالى ايران ايله درميان اولان كد و كد و كد و كد
 باعث اهواء مزلوله فاسده و اقوال مرد و لة كاسده هيت على نيم شاهي
 و غرمت صافى طوبت ديات نياهيلرى ايله دفع و ازاحه و امت مرحومه بنويه بوسيله
 حيله ايله ترفيه و ازاحه قلبى افاق ممالك عجم كال اول سنت و جماعت
 انوارى اظهار و كافه صحابه كمنين سيدى سليمان خير و قرضى ايله تذكره اولد نغنى
 و در مقابلده عنايت الهيه دن ملك ايران و صلح شانه تفويض و احسان
 اولينقبز نياش تحريكاه ممالك مرقومه وجود يهود كر ليله فقير و بوجالت منظره

[illegible]

شاهی و درایت و درایت دینا بهیله حواله قلمغله اسلاو عظمای ملوک
اسلام بر دالله مضاجعهم الی یوم القیام زمانلرنده اخذ و اعطا اولناز عهد
نامه لر قیاساً انک ذکر مطوی الاثر قالوب بواسلوب اوزره مواخبات
و مصافاته حسن ختام ویرلک تأدیه لر کرجه تنظیم و تسویه قلمغله تخصیص
صحاب کرام خیرالانامک حققرنن ایران اها لیسندن مقدماً نؤمن ببعض
و کفر ببعض تو بیخ الهینه کالمظهد و شوب مرتب ددات اولناز اهل غایتی
تینکل و تأدیه و لا نفرق بین احد اشارت بابشارتن اظهار خصندن محای فضل
الهی اولناز خلص عباد الاهی تهذیب مذهبه سوق و ترغیب الیه تشدید استحکام
دعایم دولت شاهی و تأکید قوانیم اهت و لا بنا هلی علی قرالایام متزاید و بارکاه
خلعت و سکا هلرنه و فود اقبال و اجلاو علی کدوام متواصل و متوارد اوله رق
بروجه محرردین و مذهبی زواج و انتہاجی و وجود سب و مسعود لرله سلطنت
ایرانک استحکام و انتہاجی دخی مطلوب و مرغوب هایونر اولوب و بموجب
منصّه بروز جهان افروزده جلوه کرظهور اوسطی ملو زمان خاصّه دربار خاقدار
بادشاهان مزین کذلک بروزیردایت مصیرفرک اولصوبه تسیر وارسالی الیه
ذوی مراتب علما دن صاحب روتیک بالمعیه اسرا و ایفاد لرینه وابسته اولقدن
ناشی بواجادک علی ما هو المراد اشاقی سیاققدن ۴ هواسلک ماکررتہ بتضوع
مقتضا سنخ جناب فیم المآب خسروانه فرطرقدن بالذمتیاز شفاهاً دخی کارخ طوطی
شاخ شاهلری تبریک و نهنه سن ایام و تسویه قلم ایچون دکایم مستطاب خسروانه
از قدیم خدمات عبده و ملو زمت سنیه شرفن احرار الیه نمتاز ایمن بالوزاره دخی
شان و عنوانی اعلا و ترغیع و موصل یالقی کتوبه احسان و توحید اولناز دستور
مکرم الی اخره وزیر مصطفی پاشا ادام الله تعالی اجلاو دربار خلعت مدار شاهانه
و درگاه سپهر اشتباه خدیوان لرینه و قد اولق اوزره تخصیص و اعلم العلی المتبرک
بالفعل امین قنوی اولوبانا طوی صدارتی الیه بمجل اوله مولانا عبیدالله ادام الله تعالی

رومی

و اما در
ساره مصداق
تقریر صحیح

[illegible]

امير مکه مکرمه شريف عبدالعزیز علیہ السلام

جنابا مارت مآب ایالت فضیل سعاد اکسب ذوالنسب الطاهر
والحسب الزاهر مستجمع المعالی والمفاخر کابر اعز کابر جمال السلالة لها شمية
فرع الشجرة الزکوة النبوة طراز العصا بنا العلوۃ المصطفویة عمدة الال رسول
قرع عین الزهراء البتول المختص بمن بدعنا بنا الملك المجید دام سعد ترفع
رفعها بونمز وصفه معلوم کز اولاد که طرف سلطنت سنه فری ارسال البکر
مکتوب صدق مصحح کز ورود ایدوب جناب سعاد مآب کز اشرف جمیل
الاوصافک اجل وارشدی وسادات کرام ذوی الاحترامک اکرم واحمد
اولکز الیه ذات ستوده صفات کزده مرکوز اولان انارامات وطیبت صافی
طوبیکز ده موز اولان انوار نجابت مقتضا کز هریج عیقدن طواف نبی عتیق
وزیادت روضه مطهره رسول سعاد توفیق انجون زاملند غریب اولان
حجاج ذوی الاهتاجک رفاه کلی و فراغ بال الیه آمین وسالمین ادا مناسک
خج شریف الیه فرجین مستبشیرن اوطان لرته آیین اولوب کزک طاقین وزارین
کزک اول بلده ده قاطنین اولان علما و ضلحا و ساراهالی و تجار حسن اهتیا کزک
عامد ضر و بلوی و کافه ضیرو با ساد زامین اولو جناب خلوقما احمون
اول اراضی سعید المرصیده دعوات خیر بادشاها نه مشغول اولد قذری
محاط علم عالم آرای خسروانیم اولخله استنطاب خاطر هانوس سعاد و تقروغن
باعث اولوب بوند نصره دخی حومه و حمایت کز داخل اولان آنخا و اقطار و اجا
وامصارک انار اوزار و انواع مضار دین حفظ و حرستی الیه تجار و زوار
واهل بلده و فاضل اولان اراک امن و استراحت و اطمینان و رفاهیتی بایده

و کزک اول بلده ده قاطنین اولان علما و ضلحا و ساراهالی و تجار حسن اهتیا کزک
عامد ضر و بلوی و کافه ضیرو با ساد زامین اولو جناب خلوقما احمون
اول اراضی سعید المرصیده دعوات خیر بادشاها نه مشغول اولد قذری
محاط علم عالم آرای خسروانیم اولخله استنطاب خاطر هانوس سعاد و تقروغن
باعث اولوب بوند نصره دخی حومه و حمایت کز داخل اولان آنخا و اقطار و اجا
وامصارک انار اوزار و انواع مضار دین حفظ و حرستی الیه تجار و زوار
واهل بلده و فاضل اولان اراک امن و استراحت و اطمینان و رفاهیتی بایده

امارت مکرمه ناک کماکان احسن وجه اوزده اتمامه خلوص تام الیه قام
ومسلک عدل وانصافه سلوک الیه قسطا شرع قویم ومقیاس قاعدین
مستقیم اوزده اجرای حکومت و تحت ایالتکرده اولان اماکن شریفه ناک
حفظ وحراستی وموسم حرج حاج بانو فیکر حمایت وصیانتی ومدائن صالحه
استقبال وتشیعی خصوصنه بذل جلالت واشغای عربانین مضی
ذهاب وقبول لرینه وساکین و مجاورین وزوار و تحارک ترفه حال لرینه واول
اقتار نظیفه وامصار لطیفه دین و دولت علیه وناموس سلطنت سینه نزه
موافق حرکات هر وجهه سعی ودقت واستحصار رضای عین اقتضای ملوکا نزه
مبادرت وصرف و قدرت ایلیه سر شولیه بلیه

شروان خانی سرخای خان دامت معالیه به نامشدهایون

[illegible]

حاضر و اماده اولديغكر بودفقه وزير مشاراليه طرفدن عتبه عليه
خسروانه فرزه عرض واعلام اولمغله بوضع بسنديده مرضيه كز انبساط
طبع بادشاهانه فرزه باعث و بادي و طرفكره اولون حسن اعتماد ملوكانه فرزه
مضاعف و مرزاد و وثوق و اعتقاد خسروانه فرزه مؤكده و زياد اولوب حقكرده
نسيم عنايت كامله فرزه متنتسم و بحار زخار عاطفت سامله فرزه متلاطم اولوب
حالا حد و دره عتبه و سكون ممالك محروسه فرزه داخل اولون شروان
ابالتي خانلني كافي الاول رضاي هانوغرا و زره حركت و طرف سلطنت سنيه فرزه
دائما اخلاص و استقامت او زره خدمت ايتك شرطيله عواطف عليه ملوكانه
و ترجمه بصيحه خسروانه فرزه شرف بخش صدور اولون خط هانويون مهتمق و فر
موجبه جميع مداخل و موارد و منافع و فوائد ايله بروجه يورتلوق و اوقبل
تايداً قد جللت ايله سزّه ترجمه واحسان والي ماسار الله تعالى اولود و انساب
و اخلاق و اعتقاد كزّه الى انقراض الدوران مائيه جهان اولدجوي و حمله عنايت
بي امتنان بادشاهانه فرزه اولوب ايت مزبوره خانلغلك منوال محترمانه او زره
سزّه ترجمه و تقلدني حاوي و شروط و قيودني محوي رات شريف معالي غوغر
ايله اشبور نامه هانويون ملاطفت نشان خديوانه فرزه اخراج و اصدار و فيما بعد
دخي سزده هر حالده صدق نيت و خلوص طوبت ايله دين مبين و دولت عليه
ايدترنيزه موافق خدمت جليله و مساعي جليله وجوده كتورمكه و حالا كچه محافل
رايلر نيزه حسن موافقت و كند و لر ايله مراسم تفاه و اتحاد و دعائت بيله ناموس نشان
سلطنتيه موافق مائز مبروره اظهارنه بذل قدرت ايلكر ملحوظ طبع صفها مقرون
خديوانه فرزه اولديغنه ناز محضاً قد و توان كزّه و سبيله رفعت و اسب همتيه ازبان
غيرت و امر كزّه سبب تقويت اولون ايجاز عثمان برواحسانم حقكرده و فضيلان خاصه

A close-up photograph of a piece of aged, yellowed parchment. The surface is heavily textured with numerous small, dark brown spots and larger, irregular stains, particularly along the right edge. Faint, handwritten text in a cursive script is visible across the page, but it is largely illegible due to fading and the condition of the parchment. The ink appears dark brown or black. The overall color of the parchment is a mottled yellow-brown.

فاس حاکم نامہ ہمایون

الحمد لله الذي آتاه المومنين المجاهدين وشيّد دعامة الشرع المتين: جاهد
اجناد الموحدين ووعد الناصرين لدينه الدرجة العليا في العقبى واعد
للحسينين اجراً عظيماً والصلاة والسلام على سيدنا محمد المأمور بالجهاد
بالناس حتى يشهدوا ان لا اله الا الله وان محمد رسول الله وعلى اله واصحابه
الذين جاهدوا معه الله وبعد فانا صدرنا هذه المفاوضة الشريفة
والمعاوضة المنيعة الى جناب الامير الاكرم البجل الاثم المستجمع لجميع المعالي
ومحاسن الشيم الحارس لغفر الاسلام الفارس في مضمار الاقحام هو الفرع
لشجرة الزكية والجمال للسلاطنة الشمية وهو السيد الشريف النزيل المستغنى
عن التوصيف والتبجيل الجليل ابن الجليل الحامي لئمالك فاس مولاي عبدالله
ابن شريف اسمعيل لازال مخفوفاً بعناية رب الناس بعد اهداء التحيات
الطيبات المباركة والتسليمات الزاكية انتهى الى ذلك الجناب الشريف ان
المجاهدين في سبيل الدين والمجددين لاعلاء كلمته ولايحكام احكام الشرع
محتاجون في احوالهم السراء والضراء الى معافاة اهل الاسلام سيما لانهم حايضون
وصيانتهم على من كان من امراء الدين وكفلاء مهام المومنين من اهل المجد والتمكين
فلا يخفى عليكم ان الساكنين المرابطين بدار الجهاد جزاء نصرهم الله تعالى وليس
لهم الفوز الباهر صافون اعمارهم في كل وقت وحين الى مقابلتنا الكفرة في السرين

اذمة الشفقة والاحسان اليهم بان تصرفوا الهمة لتفيس كربهم
 ومظاهرتكم لهم ولقد قال عيسى السلام من نفس عن مؤمن كبتا من كرب
 الدنيا نفس الله عنك كبتا من كرب الآخرة والله في عون العبد ما دام العبد
 في عون اخيه المسلم وهذا في مؤمن واحد فكيف في المؤمنين المجاهدين
 الخارجين عن الاحصاء ولقد فانه سبحانه وتعالى قال في كتابه المبين ان الله
 لا يضيع اجر المحسنين تحريراً لله

و رعایت مراسم الفت و موافقت فوق ما سلف ای و سفیر مسفور شرف نقل
سباط مخرق انبساط بادشاها نه منزله مفتخر و مباحی اولوب ادا رسالتی
کما هو حقّه ادا ایتد کد نصکره الحیاث علیّه منزله جانبکره عود و انصرافه
مرخص اولغیز نامه هاین غز تبلیغی خدمته تعیین اولنان درگاه سعادت
دستگاهر متفرقه لرندن افتخار الا ما جدد والا کار متفرقه محمد دام مجن الیه
همراه قلوب روانه اولدیار هموائ صلاح اندیشان دین و دنیا منظر احسان
ملک منان باد برت کعباد بکشتی والاله امجاد سلطنته

ملاك منان باد برب كعباد بالشي والاله المحمود
دكابهامايون حضرت جهانداری طرفلرين ونديك دوری وجمهوری مایون نامه
نقطة الطاهر الخا

دکابها یون حضرت جهان داری طرف ازین و ندیک دوزی و جمهری و نایب
مفاخر امراء الملة السیخیه مراجع کبراء الفخام العیسوی مصطفی امصالح جاهل
النصرانیه صاحبواذیال الحشمه والوقار اصحابی دلائل المجد والاعتقاد
و ندیک دوزی و جمهری ختم عواقبهم بالخیبر والرشاد توقیع دفع هائلون اصل
مرجع سلو طین عظام و ملذخو قین
اولحق معلوم اوله که

اولی حق معلوم اوله
گرام اولان سن سنیه. وآلا مکان وعقبه علیه. راسخ الی کافره وفور
صداقت و اخلاص و مزید مسالمت و اخفا صلا مقضاسی اوزره استانه
سعادت اشیا نرزه. مقیم اولق اوزره طرف کزدن انتخاب و بابا یوساق رتبه
نقیس وارسال اولنان ممتاز و معبر الی کز قذوه امر الی المله المسیحیه
قوالید نفولوا و حنی اریجو ختمت عواقبه بالخير استانه سعادت عنوان و دو دیا
مشید البینا نرزه کلوب و اصل اولدق نضره کتور و فیم المیدکی نامه فرقاعده
قرعه

مشيد النبيا نزه كلوب واصل اولدق نصره كوردو بيم
مسلک انعام قرين اعقاد منه معاني عرض الی کلام
سعاد نمرده معنی الیه احوالها دروغ او ای
القاسم انفعله قرین اعقاد منه معانی عرض الی کلام
سعاد نمرده معنی الیه احوالها دروغ او ای

و بنیز اول استان سعادتمند اقامت او زده اولاً قذوة امرای الملک محیه
خفت عواقبه بالبحر داننده رشید و کاروان و قادی امور او زده
ممتاز اقران اولوب لذلك اطوار و کردار و افعال و رفتار و بندیزه دبار
خلایف و خسران و فراوان قدر ناشی مراسم خدمت سفارتی احسن و محله کمال
ایروب طرفه عود و انصرافه نماید و مرخص و منفله نامه همایون شیخ فرزند
اصدار و ارسال او نمشد لری الوصول بوخاندان شاخ الارکان و دودمان
داسخ البنیات و ابلیه جمهور کز بنیند منفقد و محکم اولاد مصافات مؤمن عهده
همایونک شرایطی او زده کماکان مقرر و مرعی و مقدر طوایب طرف سلطنت
سنیه مردن تجارت و رعایا کز هر حاله امن و سلامت بر نه فوق الغایه سعی
و همت او منفله طرفه کردن دخی بو جانک تجارت و رعایا سعی دخی اصال خسارت
مضون و مطیت البال مرغه و مأمون او ملری مطلوب ایروی قرین یقینکر
اولدقه مادامکه طرفه کردن صلح و صلاح رعایتند و قصور ظهور علیه بایند
طایدار و استوار اولان عهود و صادق مراسمه طرف سلطنت سنیه مردن دخی
مراعات او نمشی معلوم اولان کلام علی بن ابی طالب علیه السلام

فاس حاکمه نامه هابون

جناب امارتآب ایالت رضاب سیادت انتساب ملک فیض ملک فیض
 حارس ثغر الاسلام فارس مضار الاقتام فرع الشجرة الزكية جمال السلالة لها
 ساعی مساعی دیانت ناهی مناهی غویات حاکم مملکت فاس المولی الشریف
 بن شریف اسمعیل الحسینی لازال محفوا بعنا یتدب الناس صواب باصواب
 شرافتا بارینه بدایع روائع تحیات زاهر وغرایب رغایب تسلیات فاخره که محض
 موالات اخوت دینیة دین صادر وعین موالات ازلیة بقنبدیه دین متوارد و متبادر
 اولور و فود و نجسته و رود حبت و ولا الیه ابلاغ و اهدا قلند قدس صکر ملک صمد
 منیر و سنجل خاطر خورشید نظیر لربنه جمال عروس مقال بوتمثال اوزره و تصویر
 اولنور که موقع خلافت و عظمت و محط رحال شوکت و جلالت اولان عتبة علیة
 معدلت بناه و سن سنیه ایت دستکافره منبعث اولان کتاب عرف نامدربع
 الاسلامی که اشرف احیایانده آدمکنی مصطفی الزحاج علی زید قدره یدله شرفای صول
 و نظرفرخنده اثر بادشاها نه فرایله منظور و مشمول اولوب مضمون مضادقت نوز
 محبت جلیلیز اولان والده ماجدکز مولا اسمعیل اجابت خطاب راجعی الیه دار بقیا
 رحلت اتمکله بفضل الله تعالی بالارث والا ستحقاق جملة اتفاقیله فاس حکومه
 جناب امارت ما بکر توتی و کرسی مملکت و دولته ولی اولدیغ کرسی تبشیر
 و الحب یوارث مستدعا سنجه والدکر مرحوم مشار الیه ملک حسن سلوک اوزره
 خاندان بر واحسان و دودمان خلافت اشیا نه مزه خلوص مودت و صدق محبتی
 تحقیق و تقریر الیکر الیه بوشیم ستوده کفر خاطر هما یون صفای مقرو بادشاه
 و وجبت محبتی للمختارین فی مصداقنجه جانب جناب نغم الما بکره دخی نغیه
 وجهه فواد و القیت علیک محبة منی فخر اسنجه تعلیق سوبدای و داد
 قلوب وادمکز مومحی الیه دخی منظور اطفا ملوکانه مز اولوب شبنو نامه
 ملاطفت مقرو نغرایله طرفکره اعاده قلند شد باقی ایام اقبال ابدی الانصاف
 و تأیید خالق ذی الجلال بر دوام ولا یرال باد
 الحاکمه

ایران شاهی فادرشاهه نامه هایندرشاهه

بسم الله الرحمن الرحيم

الحمد لله الذي عز الاسلام والمسلمين وشيّد دعائم الشرع المبين باتفاق اخباد
الموحدين والصلوة والسلام على سيدنا محمد اهادى الى طريق مستقيم والساعي
في قامة الدين القوم صلوة دامة بمنهل ونسيم والال والتحب ثم التابعين لهم
اهل التقى والتقى والحلم والكرم رضوان الله تعالى عليهم اجمعين اما بعد اعليحضرت
لائي حضرت شهر بارق نور خديو خورشيد نظر غره غراي جبين بختيار عجب
دره بجاي كيل كامكارني مؤسس ماني حياه وجلو مشيد ركان غر قال
شافيه تاج وكمروكاه وابته ديات وامانت انتاه الى اخره فادرشاهه
لا زالت يبرات اقاله شافيه مرافق الدمانه والاخلاق وكواكب مجده لامعه
من فلك السيادة والاقبال ۴ با دامر صغ از كهر اختران سعد حتر شهر رتق خورشيد
ساي شاه جنان بربنك صوب با صواب عالي واور مستطاب متلا ليلينه وسيله التام
نير واد صميني وذرعه ارتفاع مدارج خورشيد اتحاد ديني اولاد الطيفه لائي عجب
اكيدة المولات محترقراي مادشاهان واشرف دياحين تحيات شديده المصافا
سلامت نماي شاهان كه برورده محيط قويم تحيتهم يوم يلقونه سلام و غما يافته
ديان مستديم يلقونه فيها تحية وسلاما در سراط تعظيم وقواعد مرغوبه توفير وكرم







